



مرکز سنجش آموزش مدارس برتر

پیش آزمون شماره ۷
آذرماه ۱۴۰۴



پاسخنامه انسانی

ردیف	نام درس	سرگروه	گروه طراحی و بازنگری (به ترتیب حروف الفبا)	ویراستاران
۱	ریاضی و آمار	مهران موحدی	داود بوالحسنی - امیر زراندوز	محمد منتظران - ابوالفضل فروغی
۲	علوم و فنون ادبی	حنیف افخمی	حنیف افخمی - احمد بهزادی - داود تالشی مصطفی داداشی	محمد کاووسی - مهتاب بیشه
۳	جامعه‌شناسی	بهزاد اندرز	بهزاد اندرز - هانی رکن‌الدینی - شیما کریمی	احسان اسدی - مهتاب بیشه
۴	روان‌شناسی	مهدی جاهدی	فرزانه حاجی - سجاد رشیدی - فاطمه عباسی	احسان اسدی - غزاله انتظاری
۵	زبان عربی	محسن آهوپی	محسن باقیان - عرفان جالبزی - آریا ذوقی مجید قدیمی - امینه کارآمد	مبینا بهرامی - حسن اسدی
۶	تاریخ	معین‌الدین تقی‌زاده	منصوره حاجی‌زاده - سمیه طباطبایی	سپهر علیپور - احسان اسدی
۷	جغرافیا	بهروز یحیی		
۸	فلسفه و منطق	محمد تقفدی		
۹	اقتصاد	علی محسنی	نوشین خدایی‌نیا - فیروز کریمی سجاد گلاب	سارا صدیقی - آبان طاووسی

واحد فنی (به ترتیب حروف الفبا)

زهره احدی - امیرعلی الماسی - مبینا بهرامی - معین‌الدین تقی‌زاده - مهرداد شمسی - راضیه صالحی - انسیه مرزبان

برای اطلاع از اخبار مرکز سنجش آموزش مدارس برتر، به کانال تلگرام @taraaznet مراجعه نمایید.



ریاضی و آمار

۱. گزینه ۱ صحیح است.

$$\begin{aligned} [\pi - 1] &= [3/14 - 1] = [2/14] = 2 \\ |\sqrt{2} - \sqrt{3}| &= -(\sqrt{2} - \sqrt{3}) = -\sqrt{2} + \sqrt{3} \\ \Rightarrow A &= 2 + \sqrt{3} - \sqrt{2} + \sqrt{2} = 2 + \sqrt{3} \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه های ۳۷ تا ۴۲)

۲. گزینه ۴ صحیح است.

$$\begin{aligned} \text{sign}(عدد مثبت) = 1 \Rightarrow 2m - 10 > 0 \\ \Rightarrow 2m > 10 \Rightarrow m > 5 \\ \text{sign}(عدد منفی) = -1 \Rightarrow 2 - m < 0 \\ \Rightarrow -m < -2 \Rightarrow m > 2 \end{aligned}$$

در گزینه ها $\{m > 6\}$ دیده می شود که قابل قبول است چون $\{m > 6\}$ زیرمجموعه $\{m > 5\}$ است.

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه ۳۵)

۳. گزینه ۲ صحیح است.

$$\begin{aligned} -2 \in \{-2 \leq x \leq 2\} \xrightarrow{\text{ضابطه وسطی}} f(-2) = -\frac{2}{2} = -1 \\ -3 \in \{x < -2\} \xrightarrow{\text{ضابطه بالایی}} f(-3) = 2(-3)^2 = 2 \times 9 = 18 \\ 10 \in \{x > 2\} \xrightarrow{\text{ضابطه پایینی}} f(10) = 6 \\ \Rightarrow \text{کسر مطلوب} = \frac{-1 + 2(18)}{5(6)} = \frac{35}{30} = \frac{7}{6} \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه ۲۷)

۴. گزینه ۴ صحیح است.

در هر زوج مرتب، عضو اول باید با عضو دوم برابر باشد:

$$\begin{aligned} \begin{cases} a-1=b \\ a=2b+3 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a-b=1 \\ a-2b=3 \end{cases} \xrightarrow[\text{در } (-1)]{\text{ضرب بالایی}} \begin{cases} a-b=1 \\ a-2b=3 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a+b=-1 \\ a-2b=3 \end{cases} \\ -b=2 \Rightarrow b=-2 \\ a=2b+3 \xrightarrow{b=-2} a=2(-2)+3=-1 \end{aligned}$$

$$f = \{(-2, -2), (2, 2), (-1, -1)\} \Rightarrow \text{دامنه} = \{-2, 2, -1\}$$

$$\bar{x} = \frac{-2+2-1}{3} = -\frac{1}{3}$$

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه ۳۰)

۵. گزینه ۳ صحیح است.

چون $f(x) = (2a-3)x^2 + (2ba-1)x + 6(a+b)$ ثابت است پس نباید متغیر x داشته باشیم، پس:

$$\begin{cases} 2a-3=0 \Rightarrow a=\frac{3}{2} \\ 2ab-1=0 \xrightarrow{a=\frac{3}{2}} 3b-1=0 \Rightarrow b=\frac{1}{3} \end{cases}$$

پس ضابطه $f(x)$ به صورت زیر درمی آید:

$$f(x) = 0x^2 + 0x + 6\left(\frac{1}{3} + \frac{3}{2}\right) \Rightarrow f(x) = 6\left(\frac{11}{6}\right) = 11$$

پس $f(1) = 11$ و $f(-1) = 11$ و حاصل برابر $11+11=22$ به دست می آید.

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه ۲۶)

۶. گزینه ۲ صحیح است.

چون $A = (3a-1, a^2+a-9)$ روی نیمساز ناحیه سوم است، پس عرض = طول است (با شرط < 0 طول)

$$3a-1 = a^2+a-9 \Rightarrow a^2-2a-8=0 \Rightarrow (a-4)(a+2)=0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} a=4 \times \\ a=-2 \checkmark \end{cases}$$

زیرا به ازای $a=-2$ مختصات A به صورت $A(-7, -7)$ درمی آید و در ناحیه سوم است. پس $a=-2$ قابل قبول است.

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه ۳۲)

۷. گزینه ۳ صحیح است.

چون f ثابت است، پس هر جا f دیدیم می توانیم به جای آن k قرار دهیم و چون g همانی است، $g(3)=3$ و $g(-1)=-1$.

پس داریم:

$$\begin{aligned} \frac{f(x^2)+2g(3)}{f(x^2+1)-2g(-1)} &= f(f(x)+1) \\ \frac{k+2(3)}{k-2(-1)} &= k \Rightarrow \frac{k+6}{k-2} = k \Rightarrow k^2+2k=k+6 \\ \Rightarrow k^2+k-6=0 \Rightarrow (k+3)(k-2)=0 \Rightarrow \begin{cases} k=-3 \\ k=2 \end{cases} \end{aligned}$$

پس $f(x)$ یا تابع ثابت $f(x)=-3$ است یا تابع ثابت $f(x)=2$. پس $f(\sqrt{2})$ می تواند -3 یا 2 باشد که فقط یکی از آنها در گزینه ها آمده است.

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه های ۲۶ و ۳۰)

۸. گزینه ۳ صحیح است.

مالیات مازاد بر 10 تا 12 میلیون که می شود 2 میلیون با نرخ 15 درصد یعنی $300,000$ تومان.

$$2,000,000 \times \frac{15}{100} = 300,000$$

مالیات مازاد بر 12 تا 17 میلیون که می شود 5 میلیون با نرخ X که می شود:

$$5,000,000 \times \frac{X}{100} = 50,000X$$

و در نهایت مالیات مازاد بر 17 تا 20 میلیون که می شود 3 میلیون با نرخ 25 درصد یعنی $750,000$ تومان.

$$3,000,000 \times \frac{25}{100} = 750,000$$

با توجه به اینکه مجموع مالیات ها برابر 2 میلیون تومان است، داریم:

$$300,000 + 50,000X + 750,000 = 2,000,000 \Rightarrow 50,000X = 950,000 \Rightarrow X = \frac{950,000}{50,000} = 19$$

پس نرخ مالیات در ردیف مجهول 19 درصد بوده است.

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه ۴۳)

۹. گزینه ۱ صحیح است.

با توجه به $|x| \geq 0$ است، پس مقدار $\text{sign}(|x|)$ یا برابر 1 است یا برابر صفر.

حالت اول: اگر $x=0$ باشد، داریم:

$$0^2 - 4(0) = 5\text{sign}(0) \Rightarrow 0 = 0$$

پس $x=0$ یکی از جواب های معادله است.

اگر $x > 0$ یا $x < 0$ باشد، همواره $\text{sign}(|x|) = 1$ است و داریم:

$$x^2 - 4x = 5\text{sign}(|x|) \Rightarrow x^2 - 4x = 5 \Rightarrow x^2 - 4x - 5 = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x=-1 \\ x=5 \end{cases}$$

پس این معادله 3 جواب دارد: $\{-1, 0, 5\}$ و اختلاف بیشترین و کمترین جواب $6 - (-1) = 5$ است.

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه های ۳۵ و ۳۷)



۱۵. گزینه ۴ صحیح است.

اگر ریشه‌های معادله را α و β بنامیم می‌توان چنین نوشت:

$$\alpha, \beta, \gamma \xrightarrow{b^2=ac} \gamma^2 = \alpha \cdot \beta \xrightarrow{\alpha\beta = \frac{c}{a}} \gamma = \frac{-k+1}{1}$$

$$\Rightarrow k = -8 \Rightarrow \left[\frac{k+1}{\gamma}\right] = \left[\frac{-8+1}{\gamma}\right] \Rightarrow \left[-\frac{7}{\gamma}\right] = \left[-\frac{7}{5}\right] = -4$$

یادآوری: در معادله درجه دوم $ax^2 + bx + c = 0$ با فرض $\Delta > 0$

مجموع ریشه‌ها برابر با $-\frac{b}{a}$ و حاصل ضرب ریشه‌ها برابر $\frac{c}{a}$ است.

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۱۳)

۱۶. گزینه ۱ صحیح است.

اگر k تعداد واسطه‌های هندسی باشد می‌توان گفت:

$$r^{k+1} = \text{جمله آخر} \xrightarrow{k=8} r^9 = \frac{1536}{3} = 512 = 2^9 \Rightarrow r = 2$$

$$a_9 = ar^8 = 3 \times 2^8 = 3 \times 256 = 768$$

$$\Rightarrow r + a_9 = 2 + 768 = 770$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۷۶)

۱۷. گزینه ۳ صحیح است.

می‌دانیم اگر در دنباله هندسی $a_1 > 0$ باشد دنباله وقتی افزایشی است که $r > 1$ باشد لذا r را پیدا کرده و بزرگ‌تر از ۱ قرار می‌دهیم:

$$r = \frac{a_7}{a_1} = \frac{9m+27}{3} = \frac{9m}{3} + \frac{27}{3} = 3m+9$$

$$r > 1 \Rightarrow 3m+9 > 1 \Rightarrow 3m > -8 \Rightarrow m > -\frac{8}{3}$$

پس اعداد صحیح موجود در $m > -\frac{8}{3}$ عبارتند از:

$$-2, -1, 0, 1, 2, \dots$$

که کوچک‌ترین آنها -2 است.

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۷۷)

۱۸. گزینه ۳ صحیح است.

می‌دانیم رابطه بازگشتی $a_{n+1} = ra_n$ مربوط به دنباله هندسی با نسبت مشترک r است، لذا:

$$a_n = a_1 \times r^{n-1} = 9 \times 3^{n-1} = 3^2 \times 3^{n-1} = 3^{2+n-1} = 3^{1+n}$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه‌های ۷۵ و ۷۶)

۱۹. گزینه ۴ صحیح است.

با توجه به تعریف نیمه‌عمر، داریم:

$$1/5 \xrightarrow{2 \text{ ساعت}} 3 \xrightarrow{2 \text{ ساعت}} 6 \xrightarrow{2 \text{ ساعت}} 12$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۷۸)

۲۰. گزینه ۱ صحیح است.

پایه‌ها همگی برابرند پس یکی از آنها را نوشته و توان‌ها را با هم جمع می‌کنیم:

$$A = 3^1 + 3^2 + 3^4 + \dots + 3^{2048}$$

دنباله $3^1, 3^2, 3^4, \dots, 3^{2048}$ هندسی بوده و $r = 3$ است لذا مجموع

جملات آن را از فرمول $S_n = \frac{a-L \times r}{1-r}$ به دست می‌آوریم. (L جمله آخر است.)

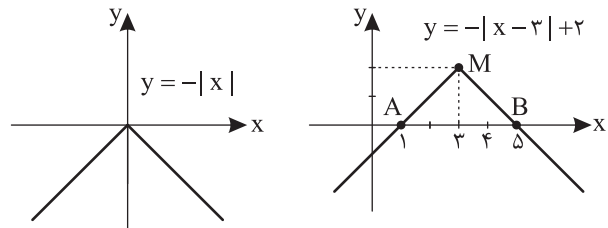
$$S_n = \frac{1-3^{2048} \times 3}{1-3} = \frac{1-3^{2049}}{-2} = \frac{-3^{2049}}{-2} = \frac{3^{2049}}{2}$$

پس:

$$A = 3^{2049}$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۸۰)

۱۰. گزینه ۱ صحیح است.



برای به دست آوردن A و B باید معادله $-|x-3|+2=0$ را حل کنیم:

$$\Rightarrow |x-3|=2 \Rightarrow \begin{cases} x-3=2 \Rightarrow x=5 \\ x-3=-2 \Rightarrow x=1 \end{cases}$$

پس قاعده مثلث $4=5-1$ است و ارتفاع مثلث هم ۲ است. پس مساحت برابر است با:

$$S = \frac{1}{2} \times 4 \times 2 = 4$$

(ریاضی و آمار یازدهم، صفحه ۴۲)

۱۱. گزینه ۲ صحیح است.

یک دنباله هندسی با نسبت مشترک $r=2$ داریم، حالا a_1 را به دست می‌آوریم و تا حد امکان آن را ساده می‌کنیم:

$$a_1 = ar^9 = \frac{1}{16} \times 2^9 = \frac{1}{16} \times 512 = \frac{512}{16} = 32 = 2^5$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۷۶)

۱۲. گزینه ۳ صحیح است.

$$x-1, \sqrt{a}, x+1 \xrightarrow{b^2=ac} \sqrt{a}^2 = \frac{(x-1)(x+1)}{\text{اتحاد مزدوج}}$$

$$\Rightarrow 8 = x^2 - 1 \Rightarrow x^2 = 9 \xrightarrow{\text{جذر}} x = \pm 3$$

$$\Rightarrow \text{حاصل ضرب جواب‌ها} = 3 \times (-3) = -9$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۸۳)

۱۳. گزینه ۲ صحیح است.

ابتدا a_1 و r را به دست می‌آوریم:

$$a_n = \frac{r}{r} \left(\frac{r}{r}\right)^n \Rightarrow a_1 = \frac{r}{r} \times \frac{r}{r} = 1$$

$$a_7 = \frac{r}{r} \times \frac{9}{r} = \frac{3}{r} \text{ و } r = \frac{a_7}{a_1} = \frac{3}{1} = 3$$

اکنون مجموع ۶ جمله را محاسبه می‌کنیم:

$$S_6 = \frac{a_1(r^6-1)}{r-1} = \frac{1 \times \left(\left(\frac{3}{2}\right)^6 - 1\right)}{\frac{3}{2} - 1} = \frac{\frac{729}{64} - 1}{\frac{1}{2}} = \frac{\frac{665}{64}}{\frac{1}{2}} = \frac{665}{32}$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۸۰)

۱۴. گزینه ۱ صحیح است.

با توجه به جملات داده‌شده داریم:

$$\begin{cases} a_3 = 6 \\ a_7 = 1536 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a_1 r^2 = 6 \\ a_1 r^6 = 1536 \end{cases} \Rightarrow \frac{a_1 r^6}{a_1 r^2} = \frac{1536}{6}$$

$$\Rightarrow r^4 = 256 \Rightarrow r^4 = 2^8 \Rightarrow r^4 = (2^2)^4$$

$$\Rightarrow r^4 = 4^4 \Rightarrow r = \pm 4 \xrightarrow{\text{با توجه به اینکه همه جملات مثبت هستند.}} r = 4$$

بنابراین:

$$a_1 r^2 = 6 \Rightarrow a_1 \times 4^2 = 6 \Rightarrow a_1 = \frac{6}{16} = \frac{3}{8}$$

(ریاضی و آمار دوازدهم، صفحه ۸۳)



علوم و فنون ادبی

۲۱. گزینه ۱ صحیح است.

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه ۶۱)

۲۲. گزینه ۴ صحیح است.

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه ۶۰)

۲۳. گزینه ۲ صحیح است.

۱- «شاهان صفوی» در ترویج (زبان ترکی) نقش بسزایی داشتند.

۲- به (زبان فارسی) کتاب نوشته‌اند.

۳- رقبایی چون شاهان عثمانی و (هندی) داشتند.

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه ۵۹)

۲۴. گزینه ۲ صحیح است.

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۲۵. گزینه ۴ صحیح است.

مفهوم گزینه ۴ بیانگر «عظمت عشق و ناتوانی همه پدیده‌ها در برابر عشق است.»

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه ۶۲)

۲۶. گزینه ۳ صحیح است.

در ابیات (الف)، (د) و (ه) استعاره مصرحه به کار رفته است:

بررسی ابیات:

الف) دام: استعاره از محبت / دانه: استعاره از محبوب

د) گل: استعاره از معشوق یا مخاطب شاعر

ه) نرگس: استعاره از چشم / خون جگر: استعاره از اشک

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه‌های ۷۲ و ۷۴)

۲۷. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی ابیات دارای استعاره مصرحه:

ب) طوفان: استعاره از اشک

ج) مرغ چمن: استعاره از خود شاعر / بوستان: استعاره از محفل دوستانه شاعر

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه ۷۳)

۲۸. گزینه ۱ صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «اشک از دیده سؤال کرده است» و «چشم جواب داد» هر دو استعاره مکنیه و تشخیص دارند.

۳) جان من عقد زلف تو را می‌شمرد.

۴) خون دل بی‌قرارها پشت سر محمل حرکت کرد و رفت.

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه‌های ۷۱ و ۷۸)

۲۹. گزینه ۳ صحیح است.

بررسی سایر ابیات:

۱) ایهام در واژه پروانه (اجازه - جانور)

۲) واژه مدام (باده شراب - همیشه)

۴) حاضر نیست (غایب است - نمی‌پذیرد)

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه‌های ۹۰ و ۹۲)

۳۰. گزینه ۱ صحیح است.

واژه «هوا» ایهام دارد:

۱- جو یا آب و هوا، ۲- آرزو و خواسته

«باد» استعاره مکنیه و تشخیص دارد. (اگر دست باد به سر زلف تو برسد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) ایهام ندارد / دل با تلاش دیده حیران از تپش نشست: استعاره مکنیه و تشخیص دارد.

۳) «می‌کشند» در مصرع دوم ایهام دارد: ۱- آه را نقاشی می‌کنند، ۲- آه و افسوس خوردن. اما استعاره ندارد.

۴) ایهام و استعاره ندارد.

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه ۷۶)

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۸۹)

۳۱. گزینه ۱ صحیح است.

واژه «مردم» ایهام دارد: ۱- انسان، ۲- مردمک چشم

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۸۸)

۳۲. گزینه ۲ صحیح است.

ایهام: بو (آرزو - عطر و بو)

تشخیص: «ترگس» همانند ما مست و سرگران از خواب بر می‌خیزد.

این بیت فاقد استعاره مصرحه است.

(علوم و فنون ادبی یازدهم، صفحه ۷۸)

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

۳۳. گزینه ۴ صحیح است.

استعاره مکنیه: رگ ابر بهار.

ایهام تناسب: «چنگ» (دست که در اینجا معنا ندارد اما با واژه «رگ» تناسب دارد - ساز که در این مصرع معنا دارد (عشرت همانند ساز))،

«قانون» (مقررات و قانون که در این بیت معنا دارد - نوعی ساز که در اینجا معنا ندارد اما با واژه‌های «چنگ» و «ساز» تناسب دارد).

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۹۰)

۳۴. گزینه ۱ صحیح است.

وزن بیت گزینه ۱: مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل)

وزن سایر گزینه‌ها با توجه به اختیارات شاعری وزنی درست آمده است.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه‌های ۸۳ و ۸۷)

۳۵. گزینه ۲ صحیح است.

وزن بیت‌های گزینه (ب) و (ه) با در نظر داشتن اختیارات شاعری وزنی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن» است. که در رکن پایانی ابدال دارد

(فعلن ← فعلن). فاعلاتن به جای فاعلاتن در رکن آغازین آمده است و هجای پایان مصرع‌ها نیز کشیده است که باید آن را بلند تلفظ کرد.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه‌های ۸۳ و ۸۷)

۳۶. گزینه ۱ صحیح است.

این رباعی اختیار انتهای مصراع ندارد و اصلاً در این وزن هم اختیار «فاعلاتن» به جای «فاعلاتن» در رکن نخست امکان ندارد. در

گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ قلب و ابدال و انتهای مصرع دیده می‌شود. در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ حداقل در مصرع نخست در رکن دوم به جای

«مفاعیل»، «مفاعیلن» آمده است که این قلب است. در گزینه‌های ۲ و ۴ ابیات نخست ابدال دارند و در گزینه ۳ مصرع سوم ابدال دارد.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۸۳)

۳۷. گزینه ۱ صحیح است.

شکل عروضی مصرع نخست چنین است:

«- - - - - U U - - U U - - U - -» هجای بلند سوم ابدال دارد که

می‌شود: «مفعول مفاعیلن مفاعیل فعل» اما شکل عروضی ۳ مصرع دیگر چنین است: «- - - - - U U - - U U - - U - -».

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۸۶)



۳۸. گزینه ۳ صحیح است.

همهٔ مصراع‌ها با دو هجای کوتاه شروع شده است به‌جز مصرع اول گزینه ۳ که با «چون» شروع شده است. این هجای بلند سبب می‌شود رکن اول «فاعلاتن» شود.

دقت کنید در گزینه ۴ کلمه اول «مَثَل» است و در مصرع دوم «سوی» اختیار بلند به کوتاه دارد که «فعلاتن» از آن درمی‌آید.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۴)

۳۹. گزینه ۳ صحیح است.

هر ۸ مصرع این تست اختیار انتهای مصرع را دارند اما مصرع‌های نخست گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ اختیار ابدال ندارند. در گزینه ۳ «عروسی داریم» و «ما دامادیم» ابدال دارند چون به جای «فَعْلَن» «فَع لَن» می‌شوند.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه‌های ۱۳ و ۱۵)

۴۰. گزینه ۳ صحیح است.

این کلمات اختیار انتهای مصرع دارند: گزینه ۱: «نبید»، «آفتاب»، «بخور»، «گلاب»، پس گزینه ۱، ۴ اختیار دارد؛ گزینه ۲ «مخنقه» و «منطقه» پس گزینه ۲، ۲ اختیار دارد. گزینه ۳، ۳ اختیار دارد: «شمال»، «بدرقه» و «مخرقه»؛ گزینه ۴، ۴ اختیار دارد: «کشید»، «جویبار»، «سبز»، «کارزار».

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۳)

۴۱. گزینه ۳ صحیح است.

وزن ابیات «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلهن» اما در گزینه ۳ مصرع نخست وزن «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلهن» است.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۶)

۴۲. گزینه ۳ صحیح است.

وزن ابیات «مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن» است. در گزینه ۱ «سوسن کافوربوی»، در گزینه ۲ «پنهان در کشتزار»، در گزینه ۴ «گوی بی‌بط...» ابدال دارند.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۵)

۴۳. گزینه ۳ صحیح است.

در دو مصرع گزینه ۱ و مصرع اول گزینه ۲ و مصرع دوم گزینه ۴ در رکن اول «فاعلاتن» جایگزین «فعلاتن» شده است.

اما در گزینه ۳ ابتدای مصرع‌ها کاربرد این اختیار دیده نمی‌شود.

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۴)

۴۴. گزینه ۲ صحیح است.

مفهوم ابیات:

الف) یار در کنار ما بوده و بی‌سبب سرگشته بوده

ب) زیبایی بی‌حد محبوب

ج) ارزش‌آفرینی عشق

د) بی‌توجهی معشوق (چون ما از او هیچ نخواستیم، او نیز ما را با هیچ برابر می‌داند).

ه) عشق با خرد و هشیاری سازگار نیست (تقابل عقل و عشق)

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه‌های ۱۷ و ۱۹)

۴۵. گزینه ۱ صحیح است.

در بیت مبدأ و گزینه ۱ به مفهوم «حال دل را با اهل درد می‌توان گفت، نه با بی‌دردان».

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۷)

۴۶. گزینه ۱ صحیح است.

هر دو بیت می‌گویند وقتی یک آدم درست حرف حسایی به تو می‌زند آن را بپذیر و بحث نکن.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) عشق را نمی‌شود بیان کرد پس حرف نزن.

(۳) نباید شایعانی را که پشت سر من بود باور می‌کردی.

(۴) می‌گویند با این که با من حرف نزد اما فدایش بشوم!

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۵)

۴۷. گزینه ۲ صحیح است.

بیت نخست می‌گوید تو کارت را به خدا محول کن که اگر مدعی رحم نکند خدا رحم می‌کند اما بیت پایینی می‌گوید خدا را شکر که بخت یاری کرد و دوست به همهٔ آرزوهایش رسیده است.

مضمون هر دو بیت گزینه ۱ ترجیح یار به هر چیزی از جمله بهشت است.

مضمون هر دو بیت گزینه ۳ گریستن است.

مضمون هر دو بیت گزینه ۴ این است که با هر ابلهی سخن نگو و درد دل نکن!

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۱۷)

۴۸. گزینه ۴ صحیح است.

هر دو بیت به این اشاره دارند که «الدنيا مزرعة الآخرة» پس هر کاری در این دنیا بکنی در قیامت جزایش را می‌بینی.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) که به یاد تو هستند انگار در هر زمین بذر یادت را کاشته‌ای.

(۲) اگر قابلیت وجود داشته باشد لطفی می‌رسد.

(۳) این معشوق را رها کن زیرا قبلاً دستخوردۀ کس دیگری شده است!

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۷۵)

۴۹. گزینه ۲ صحیح است.

این بیت می‌گوید در این قحطی وفا یار من با من وفاداری کرد اما دیگر ابیات سخن از بی‌وفایی معشوق می‌گویند. دقت کنید گزینه ۴ به معشوق تذکر می‌دهد خوب است کمی هم وفاداری هم یاد بگیری. خوب است آدم چیزی را که بلد نیست یاد می‌گیرد!

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۹۳)

۵۰. گزینه ۳ صحیح است.

شعر سؤال و باقی گزینه‌ها از پیری شکایت می‌کنند. در شعر سؤال از پیری شکایت می‌کند که مثل برفی دائمی بر سر و رویش می‌نشیند تا به مرگ نگاه کند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) جمشید هم باشی اگر مویت سفید شود از زندگی ناامید می‌شوی!

(۲) حالا که پیر شدم شایسته با جوانان به باغ و صحرا بروم.

(۴) گلایه می‌کند که هم پیر شدم و هم فقیر!

(علوم و فنون ادبی دوازدهم، صفحه ۷۳)

جامعه‌شناسی

۵۱. گزینه ۳ صحیح است.

الف) مجموعه روش‌هایی که هر واحد اجتماعی برای تحقق اهداف جمعی به شیوه کارآمد و مؤثر به کار می‌گیرد. ← سیاست

ب) با هیچ مقولهٔ عینی و محسوس مترادف نیست. ← سیاست

ج) هر واحدی از جامعه و هر کنشی از افراد و گروه‌های اجتماعی که مستقیماً در تنظیم اهداف جامعه مشارکت دارد. ← امر سیاسی

د) مفهومی مسئله‌برانگیز و به شکل اجتناب‌ناپذیری ارزشی است. ← قدرت (جامعه‌شناسی دوازدهم، صفحه‌های ۵۷ و ۶۲)

۵۲. گزینه ۳ صحیح است.

وجه مشترک قدرت تنبیهی و قدرت تشویقی این است که در هر دو، پیروی‌کننده نسبت به تبعیت و پیروی خود، آگاهی دارد. در مورد نخست به دلیل اجبار و در مورد دوم برای پاداش پیروی می‌کند.

(جامعه‌شناسی دوازدهم، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

مهم دانستن عدالت اقتصادی: کمونیستی
نابرابری های اجتماعی، نتیجه تفاوت ها یا نابرابری های طبیعی: مدل
لیبرالی (طرفداران قشر بندی اجتماعی)
(جامعه شناسی دوازدهم، صفحه های ۷۲ تا ۷۵)

۵۷. گزینه ۱ صحیح است.

جامعه شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوب گر
تأکید می کنند تا از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان ها پیشگیری
شود و همچنین زمینه شکل گیری ساختارهای اجتماعی انسانی تر و
اخلاقی تر فراهم شود.

(جامعه شناسی دوازدهم، صفحه ۷۹)

۵۸. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) داوری ارزشی نمی کند.

(۲) دانش و ارزش دو قلمرو متمایز و متقابل هستند.

(۳) دانش قلمرو تبیین و در مقابل، ارزش قلمرو تفسیر معرفی شد.

(جامعه شناسی دوازدهم، صفحه های ۷۶ و ۷۷)

۵۹. گزینه ۱ صحیح است.

موضوع	روش	هدف
کنش های اجتماعی و پیامدهای آن	تفسیری، انتقادی و تجویزی	انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و راه رسیدن به آن

(جامعه شناسی دوازدهم، صفحه ۸۰)

۶۰. گزینه ۱ صحیح است.

بررسی عبارت ها:

(الف) از نظر مارکس، حل چالش های جامعه سرمایه داری فقط با یک
انقلاب قابل حل بود.

(ب) از نظر مالتوس، کسانی که در فقر متولد می شوند، حق حیات ندارند.

(ج) ریکاردو افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب پیدایش
مشکلات بعدی می داند.

(جامعه شناسی یازدهم، صفحه های ۷۷ و ۷۹)

۶۱. گزینه ۲ صحیح است.

شعار جوامع سوسیالیستی عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت است.
(جامعه شناسی یازدهم، صفحه ۸۰)

۶۲. گزینه ۳ صحیح است.

طرف های درگیر دو جنگ جهانی اول و دوم در قالب اندیشه های
ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی رفتار خود را توجیه می کردند.

(جامعه شناسی یازدهم، صفحه ۸۵)

۶۳. گزینه ۱ صحیح است.

بررسی عبارت ها:

(الف) اقتصاد قرون وسطی براساس روابط اجتماعی ارباب - رعیتی بود.

(ب) چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش هایی بود که درون یک
فرهنگ و تمدن پدید می آید.

(ج) در انگلستان که در انقلاب صنعتی پیشگام بود، وضعیت نوانخانه ها
به گونه ای بود که فقیران ساکن در آنجا مرگ را بر زندگی ترجیح می دادند.

(جامعه شناسی یازدهم، صفحه های ۷۶ و ۸۱)

۶۴. گزینه ۱ صحیح است.

دو جنگ جهانی اول و دوم ریشه در فرهنگ غرب دارد.

طبق نظریه جنگ تمدن ها فرهنگ اسلامی بزرگترین تهدید برای غرب است.
وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطا بودن نظریه
اگوستنت کنت را نشان می دهد.

(جامعه شناسی یازدهم، صفحه های ۸۴ تا ۸۶)

۵۳. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی سایر گزینه ها:

(۱) جامعه شناسی تبیینی: با منحصر کردن علم به علوم تجربی که صرفاً
موضوعات مادی و محسوس را مطالعه می کند، ارزش های انسانی از
جمله ارزش های سیاسی را که تماماً مادی و محسوس نیستند، قابل
مطالعه علمی نمی داند و ناگزیر با معنزدایی و ارزش زدایی از سیاست و
قدرت و فروکاستن آنها به پدیده های مادی و فاقد معنا، از شناخت
واقعی آنها باز می ماند.

(۲) جامعه شناسی تفسیری: سیاست و قدرت را پدیده های معنادار و
ارزشی می داند، اما صرفاً به توصیف ارزش های سیاسی مختلف بسنده
می کند و نمی تواند برای مقایسه آنها با یکدیگر و تشخیص درست از
غلط یا خوب از بد، ملاک و معیاری به دست آورد. علاوه بر این،
سیاست و قدرت، خارج از ذهن مردم و مستقل از ادراک آنها، وجوهی
محسوس و واقعی دارد که رویکرد تفسیری به علت تمرکز بر ذهنیت ها،
توان مطالعه و بررسی آن را نیز ندارد.

(۳) نتیجه گیری از این دو رویکرد: رویکردهای تبیینی و تفسیری ملاک
و معیاری برای داوری علمی درباره همه لایه های قدرت، سیاست و
ارزش های سیاسی به دست نمی دهند. به همین دلیل جامعه شناسان
انتقادی معتقدند که این دو رویکرد محافظه کارند و نه تنها هیچ
راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند، بلکه انسان ها را در
برابر وضعیت موجود منفعل و مجبور می سازند. جامعه شناسان انتقادی،
یافتن راهی برای داوری علمی درباره ارزش های اجتماعی به ویژه در
عرصه سیاست و قدرت را ضروری می دانند و دست شستن از این آرمان
بزرگ را مرگ سیاست و بن بست زندگی انسان معرفی می کنند.

(جامعه شناسی دوازدهم، صفحه ۶۵)

۵۴. گزینه ۱ صحیح است.

هر کنش سیاسی، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می شود یا با
هدف حفظ آن. اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف، پیشگیری
از تغییری است که وضعیت را «بدتر» می کند و هرگاه تمایل به تغییر
وجود داشته باشد، هدف، ایجاد وضعیت «بهتر» است. پس تمامی
کنش های سیاسی با دو مفهوم «بهتر» و «بدتر» هدایت می شوند. اما
چگونه بهتر و بدتر را تشخیص می دهیم؟ مهم ترین هدف ما در زندگی،
دستیابی به فضیلت های فردی و سعادت همگانی است. «فضیلت»،
«سعادت» در «زندگی خوب» یا «جامعه خوب» به دست می آید. از این
رو، فعالیت های سیاسی باید در جهت دسترسی به «جامعه خوب»،
یعنی برای دستیابی به فضیلت و سعادت باشد. امور سیاسی، همواره
مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان ها قرار
می گیرند؛ یعنی امور سیاسی، پدیده هایی خنثی نیستند. به علاوه اینکه
امور سیاسی همواره از انسان ها، اطاعت، وفاداری و تصمیم می خواهند.

بررسی سایر گزینه ها:

(۲) عبارت اول، نادرست است.

(۳ و ۴) هر دو عبارت درست هستند.

(جامعه شناسی دوازدهم، صفحه ۶۳)

۵۵. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی عبارت نادرست:

(ب) نابرابری های اسمی و تفاوت های طبیعی در صورتی که منجر به
نابرابری های اجتماعی شود، مورد توجه جامعه شناسان قرار می گیرد.

(جامعه شناسی دوازدهم، صفحه های ۷۱ تا ۷۴)

۵۶. گزینه ۴ صحیح است.

پدید آمدن قشر بندی اجتماعی توسط انسان ها: رویکرد کمونیستی
مالیات گرفتن دولت از ثروتمندان: طرفداران عدالت اجتماعی



۶۵. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

(الف) بلوک شرق شامل شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی و چین بود.

(ب) لیبرالیسم اولیه به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود.

(ج) چالش بلوک شرق و غرب، چالشی منطقه‌ای نبود، بلکه چالشی جهانی بود.

(جامعه‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۷۶، ۸۰ و ۸۱)

روان‌شناسی

۶۶. گزینه ۳ صحیح است.

هدف از حل یک مسئله خاص فقط رسیدن به راه‌حل آن مسئله خاص نیست؛ بلکه هدف یادگرفتن روش‌ها و اصولی است که در موقعیت‌های تازه هم قابل استفاده باشند.

فردی که حل مسئله را عمیق یاد گرفته باشد، می‌تواند در موقعیت‌های جدید هم از همان اصول بهره‌برد، نه اینکه هر بار از صفر شروع کند که گزینه ۳ دقیقاً به همین نکته اشاره می‌کند. این همان موقعیت توصیف‌شده در گزینه ۳ است.

فرد می‌تواند تجربه‌های گذشته را با شرایط جدید ترکیب کند و از شیوه‌هایی که قبلاً برای سازمان‌دهی کارها و حل مشکلات یاد گرفته، در این محیط تازه هم استفاده کند. این یعنی انتقال‌پذیری آموخته‌های حل مسئله؛ همان چیزی که اهمیت حل مسئله را نشان می‌دهد.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه ۱۱۷)

۶۷. گزینه ۱ صحیح است.

مسائل خوب تعریف نشده و پیچیده از آنجایی که علل متعددی دارند به راحتی قابل تعریف نیستند.

اکثر مسائل علوم انسانی از نوع خوب تعریف نشده هستند؛ مانند این مسئله که علت رکود اقتصادی کنونی چیست؟ چرا که در این مسئله نه موقعیت اولیه دقیق مشخص است و نه تعریف و فهرست اقدامات یا موانع؛ همچنین نمی‌دانیم اقدامات ما را به هدف می‌رساند یا خیر.

اما در مورد مسئله خشک شدن دریاچه ارومیه، چون مسئله‌ای تجربی است و وضعیت کنونی، هدف و اقدامات بالقوه به روشنی در دسترس هستند؛ مسئله خوب تعریف شده محسوب می‌شود.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۱۷ تا ۱۱۹)

۶۸. گزینه ۳ صحیح است.

وقتی فردی در حال حل مسئله است، کاملاً درگیر موضوع است و به آنچه انجام می‌دهد، آگاهی کامل دارد و در جریان حل مسئله هر چه فرد جدی‌تر باشد، احتمال انتخاب راه‌حل بهتر، بیشتر می‌شود. (سارا کاملاً درگیر موضوع است.)

بررسی گزینه‌های نادرست:

(۱) شناسایی دقیق توانمندی‌ها باعث استفاده از راه‌حل‌های منطقی می‌شود.

(۲) شناسایی موقعیت فعلی، باعث شناخت بهتر موانع احتمالی می‌شود.

(۴) ارزیابی راه‌حل باعث ایجاد ملاک می‌شود.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه ۱۱۶)

۶۹. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

(الف) در روش خردکردن یک مسئله بزرگ، به چندین مسئله کوچک تقسیم می‌شود.

(ب) روش بارش مغزی، نمونه‌ای از روش‌های اکتشافی است که در آن تمام راه‌حل‌های احتمالی ارائه می‌شود و پس از بررسی و ارائه معیارها، بهترین راه‌حل انتخاب می‌شود.

(ج) معمای انتقال گوسفند و گرگ و علف توسط چوپان، از طریق روش کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب حل می‌شود.

(د) مسئله برج هانوی نیز از طریق روش کاهش تفاوت وضع موجود با وضع مطلوب حل می‌شود.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۲۶ تا ۱۲۸)

۷۰. گزینه ۱ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

(الف) درست، در مرحله چهارم روش بارش مغزی هر یک از راه‌حل‌ها براساس معیارهای مشخص‌شده بررسی می‌شود و بهترین راه‌حل انتخاب شده و سایر راه‌حل‌ها حذف می‌شوند.

(ب) نادرست، روش‌های تحلیلی مبتنی بر نیازسنجی واقعی و قواعد منطقی هستند، روش کاهش تفاوت وضعیت موجود با مطلوب، از روش‌های اکتشافی حل مسئله محسوب می‌شود.

(ج) درست، روش‌های تحلیلی مورد قبول همه افراد هستند نه روش‌های اکتشافی مانند روش خردکردن.

(د) درست، برخلاف روش خردکردن در روش شروع از آخر، ابتدا هدف نهایی مشخص می‌شود، سپس گام به گام به عقب برمی‌گردیم.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۲۳ تا ۱۲۹)

۷۱. گزینه ۳ صحیح است.

۱- این انتخاب قرار نیست صرفاً توسط یک مدیر یا یک بخش خاص انجام شود؛ بلکه باید واحد بازاریابی، مالی، مدیر برند و احتمالاً مدیر عامل درباره آن نظر داده و در تصمیم‌گیری حضور داشته‌اند.

۲- در این موقعیت انتخاب بین دو اولویت تحت تأثیر بررسی همزمان چند عامل است؛ از جمله: بازخورد احتمالی بازار، میزان ریسک و بازده تبلیغاتی هر گزینه، هزینه قراردادهای، احتمال افزایش فروش و

وقتی تصمیم به بررسی چندین معیار و پیامد نیاز دارد تصمیم، از نوع پیچیده است.

۳- مسائل تبلیغاتی در شرکت‌های بزرگ بسیار مهم هستند زیرا بر میزان فروش تأثیر زیادی دارند. بنابراین این تصمیم مهم است.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۳۸ تا ۱۴۰)

۷۲. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

(الف) نادرست، در حل مسئله، افراد به دنبال انتخاب راه‌حل منتهی به هدف یا حل مسئله هستند نه در تصمیم‌گیری.

(ب) نادرست، شرط تصمیم‌گیری، رسیدن به یقین است. (حکمت ۲۷۴ نهج‌البلاغه)

(ج) درست، در تصمیم‌گیری، همه گزینه‌های احتمالی می‌تواند فرد را به مقصد و هدف برساند، ولی ممکن است اولویت مطلوب نباشد.

(د) درست، تصمیم‌گیری نوعی حل مسئله است.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۳۷ و ۱۳۸)

۷۳. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

(الف) تکانشی، عبارت «واکنش اولیه ذهنی» یعنی اشاره به شتاب یا تصمیم هیجانی، یعنی تصمیم از اولین تصور می‌آید، نه بررسی.

(ب) وابسته، تکیه بر «جمع‌بندی اطرافیان» و کنار گذاشتن برداشت شخصی یعنی وابستگی در انتخاب.

(ج) اجتنابی، عبارت «زمان نامشخص بعدی» و انتظار برای «روشن شدن شرایط» به معنای اجتناب است.

(د) منطقی، ساختار «معیار - مقایسه - حذف» یک روش نظام‌مند است که نشانه سبک تصمیم‌گیری منطقی است.

(ه) احساسی، اتکا به «وضعیت درونی و حال کلی»، متناسب با سبک تصمیم‌گیری احساسی است.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۴۲ تا ۱۴۷)



۷۴. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

- (۱) درست، شناخت دقیق موضوع تصمیم، باعث شفاف‌شدن مراحل بعدی می‌شود.
- (۲) درست، استفاده از روش‌های میان‌بر باعث کاهش پیچیدگی تصمیم می‌شود. یکی از روش‌های میان‌بر «حذف تک‌تک جنبه‌ها» است.
- (۳) درست، در تصمیم‌گیری‌های مهم، حتماً باید از سبک تصمیم‌گیری منطقی استفاده شود.
- (۴) نادرست، سبک غالب افراد باید تصمیم‌گیری منطقی باشد نه سبک همیشگی.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۵۳ و ۱۵۴)

۷۵. گزینه ۱ صحیح است.

در تعارض گرایش - اجتناب، فرد نسبت به همان یک انتخاب احساس کشش و دافعه را همزمان تجربه می‌کند. یعنی یک گزینه وجود دارد که هم مزایایی دارد و هم پیامدهای ناخوشایند و همین باعث ناتوانی در تصمیم‌گیری می‌شود.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) درست، فقط یک موقعیت مطرح است و آن شرکت در کلاس فوق برنامه است.
- گرایش: علاقه زیاد به کلاس
- اجتناب: شهریۀ بالا و مسیر دور
- (۲) نادرست، (تعارض گرایش - گرایش) دو انتخاب مطلوب دارد (دو مقصد جذاب). فرد فقط بین دو گزینه مانده است؛ پس مطلوب نوع تعارض، گرایش - گرایش است.
- (۳) نادرست، (تعارض گرایش - گرایش) دو گزینه دارد که هر دو خوبی‌های خود را دارند و فرد بین دو اولویت مطلوب گیر کرده است.
- (۴) نادرست، (تعارض گرایش - گرایش) دانشجو به تحصیل در هر دو دانشگاه تمایل دارد و لازم است بین دو اولویت مطلوب انتخاب کند.

(روان‌شناسی یازدهم، صفحه‌های ۱۵۰ تا ۱۵۳)

زبان عربی

۷۶. گزینه ۱ صحیح است.

کلمات مهم: هو الذی: او کسی است که / یصلی: درود می‌فرستد / و ملائکته: با فرشتگان خود / لیخرجکم: تا شما را خارج کند / من الظلمات: از تاریکی‌ها / الی التور: به سوی نور

خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ملائکته: فرشتگانش (رد گزینه ۲) (ضمیر آن ترجمه نشده است)
- دقت کنید در این عبارت «ملائکة» مرفوع است به این معنا که «او و فرشتگانش» درود می‌فرستند. / لیخرجکم: تا شما را خارج کند (رد گزینه ۲) (خرج - یخرج: خارج شد، أخرج - یخرج: خارج کرد) / یصلی: درود می‌فرستد (فعل مضارع) (رد گزینه ۴) / علیکم: بر شما (رد گزینه ۳) / الظلمات: تاریکی‌ها (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- نکته: اگر حروف «آن، حتی، ل، کی، لکی» بر سر فعل مضارع بیایند معادل «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

(عربی یازدهم، صفحه ۶۰)

۷۷. گزینه ۳ صحیح است.

کلمات مهم: علی الحاکمین: حاکمان باید، بر حاکمان واجب است / آلا یکنونوا (أن + لایکنونوا): که نباشند / فطین: تندخو (با توجه به جمله باید مفرد ترجمه شود) / شعوب: ملت‌ها / سینفضون: پراکنده خواهند شد.

خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) «فطین: تندخو» به اشتباه «سنگدل» ترجمه شده است - «شعوبهم: ملت‌هایشان» به صورت مفرد (ملتشان) ترجمه شده است.
 - (۲) «فقط» در جای مناسبی نیامده؛ اگر بخواهیم جمله قبل از «آلا» را که منفی است و مستثنی‌منه ندارد مثبت ترجمه کنیم می‌بایست کلمه «فقط» قبل از مستثنی «علی الکفار» بیاید - «سینفضون: پراکنده خواهند شد» اولاً اشتباه ترجمه شده، ثانیاً این فعل مضارع باب انفعال است و باید به صورت ناگذرا (لازم) ترجمه شود ولی به صورت گذرا (خالی خواهند کرد) ترجمه شده است.
 - (۴) «آلا یکنونوا: که نباشند» به اشتباه «نگردند» ترجمه شده است. «آلا یصیر» و «آلا یصبح» به معنای «نگردند» است - «سینفضون: فعل مستقبل است که به صورت مضارع اخباری (پراکنده می‌شوند) ترجمه شده است. - «شعوبهم: ملت‌هایشان» به اشتباه «مردم» ترجمه شده است.
- نکته: اگر در جمله‌ای مستثنی‌منه وجود نداشته باشد و جمله قبل از «آلا» منفی باشد، می‌توانیم با آوردن «فقط و تنها» قبل از مستثنی، جمله را به صورت مثبت و مؤکد ترجمه کنیم.

(عربی دوازدهم، صفحه ۳۹)

۷۸. گزینه ۲ صحیح است.

کلمات مهم: کاذ: نزدیک بود / شاب: جوانی، یک جوان / من اصحابنا: از دوستانمان / یعارض: مخالفت کند / برنامه‌نا: برنامه ما / فی السباحة: در شنا / ما التفتنا: توجه نکردیم / أخذنا: شروع کردیم به ... / نسبح: در اینجا «شنا کردن»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

- کاذ ... یعارض: نزدیک بود مخالفت کند، چیزی نمانده بود مخالفت کند. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)
- (۱) که از دوستانمان بود.
- (۳) ترجمه نشدن ضمیر «نا» در «برنامجنا» و إلیه
- (۴) مخالفت می‌کرد.

نکته: «أخذ» در ابتدای جمله و همراه با فعل مضارع معنای «شروع کرد به ...» می‌دهد و فعل مضارعی که بعد از آنها می‌آید به شکل «مصدر» ترجمه می‌شود. مانند «أخذ المعلم یذهب» معلم شروع به «رفتن» کرد.

مصدر

(عربی یازدهم، صفحه ۶۶)

۷۹. گزینه ۴ صحیح است.

کلمات مهم: قد قام ب: اقدام کرده‌اند / دراسات: پژوهش‌هایی / لکی یبینوا: تا بیان کنند / تأثیر: اثرگذاری / لغة: یک زبان، زبانی / لغة أخرى: زبان دیگری، زبانی دیگر

خطاهای سایر گزینه‌ها:

- قد قام ب: اقدام نموده‌اند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / دراسات: پژوهش‌هایی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / لکی یبینوا: تا روشن کنند، تا آشکار نمایند (رد سایر گزینه‌ها) / تأثیر: تأثیرگذاری (رد گزینه ۳) / لغة أخرى: زبانی دیگر (رد گزینه‌های ۲ و ۳)
- نکته: فعل «قام» به معنای برخاست، هرگاه با حرف «ب» بیاید، «اقدام کرد» ترجمه می‌شود (قام + ب: اقدام کرد، پرداخت).

(عربی یازدهم، صفحه ۴۹)

۸۰. گزینه ۴ صحیح است.

کلمات مهم: المعززة: گرمی / لم یقبل: نبوسید / لم یجلس: ننشاند / أخذ: گرفت / ابنه الصغیر: پسر کوچکش / لاغب: بازی کرد

خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) «لم یقبل» و «لم یجلس» باید به صورت فعل ماضی منفی (ساده یا نقلی) ترجمه شود.
- نکته: «لم + فعل مضارع = فعل ماضی منفی (ساده - نقلی)»



ترجمه متن:

در روزی از روزها «انوشیروان عادل» از قصرش خارج شد و به سوی شهر رفت تا از احوال مردم آگاه شود. هنگامی که در اطراف شهر حرکت می‌کرد، کشاورز فقیری را دید که کنار رودخانه گریه می‌کرد. پادشاه به او نزدیک شد و از او پرسید: ای مرد چرا گریه می‌کنی؟ گفت: سربازی از سربازانت (سپاهیان) تنها گاو من را با زور و اجبار گرفت و گفت: آن برای انوشیروان است. مرد گفت: من فقط آن گاو را دارم. پادشاه ناراحت شد و دستور داد که سرباز را فوراً بیاورند و گفت: چرا گاو این مرد را گرفتی؟ پاسخ داد: گمان کردم که پادشاه به آن نیاز دارد. انوشیروان گفت: هر کس به مردم ستم کند، هیچ جایگاهی در پیشگاه من ندارد سپس دستور داد که گاو به کشاورز بازگردانده شود و سرباز را مجازات کرد تا عبرتی برای دیگران شود.

۸۵. گزینه ۳ صحیح است.

چه کسی در خدمت به انوشیروان جایگاهی نداشت؟
(۱) هر کس گاو را به کشاورز برگرداند هیچ جایگاهی برای او در خدمت به پادشاه نیست.
(۲) هر کس انوشیروان را آزاده کند هیچ جایگاهی برای خدمتش نیست.
(۳) هر کس به مردم ستم کند هیچ جایگاهی برای او در خدمت به پادشاه نیست.
(۴) سربازی که گاو را گرفت سپس آن را به کشاورز بازگرداند.

(عربی دوازدهم، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۸۶. گزینه ۴ صحیح است.

دلیل گریه کشاورز فقیر چیست؟
(۱) زیرا حاکم دستور داد که گاو برگردانده شود.
(۲) زیرا کشاورز فقط یک گاو داشت.
(۳) زیرا کشاورز فقیر گاوش را گم کرد.
(۴) زیرا یکی از سربازان گاوش را به اجبار گرفت.

(عربی دوازدهم، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۸۷. گزینه ۲ صحیح است.

انوشیروان هنگامی که از قصرش خارج شد چه چیزی را دید؟
(۱) سربازانش را دید که کارهای سرزمین را اداره می‌کردند.
(۲) انوشیروان کشاورز فقیری را دید که کنار رودخانه گریه می‌کرد.
(۳) اطراف شهر لشکریان عظیمش را دید.
(۴) انوشیروان مردی فقیر را همراه با گاوش دید.

(عربی دوازدهم، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۸۸. گزینه ۴ صحیح است.

للمذكر المخاطب: للغابة (مفرد مؤنث غایب) صحیح است.
مبنی للمعلوم: مجهول است (همانند فعل مجهول «یقال»)
(عربی دوازدهم، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۸۹. گزینه ۳ صحیح است.

این فعل در باب «تفعیل» اشتباه است. «اقترب» ثلاثی مزید از باب افتعال است.
(عربی دوازدهم، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۹۰. گزینه ۱ صحیح است.

«أن» حرف مشبه بالفعل است و بعد از این حروف، بلافاصله فعل نمی‌آید. در این عبارت حرفی که بر سر فعل «يَتَخَلَّصُ» می‌آید، حرف «أن» است. (أن يتخلص: که رها شود)
«التزام» مصدر باب إفتعال است و شکل درست آن «التزامیه» است. (حرف «ت» کسره می‌گیرد)

(عربی یازدهم، صفحه ۵۴)

(عربی دوازدهم، صفحه‌های ۳۸ و ۴۷)

(۲) «فقط» در جای مناسبی ترجمه نشده است. جمله‌ای که مستثنی منه ندارد و جمله قبل از «إلا» منفی است مثبت و مؤکد ترجمه می‌شود و واژه «فقط و تنها» را باید قبل از مستثنی (بنت) بیاوریم. ضمناً ضمیر (ه) در «اینه» ترجمه نشده است.
(۳) «المُعَزَّة»: گرامی» به اشتباه «مهربان» ترجمه شده است - «لَمْ يُقَلِّ» و «لَمْ يُجْلِسْ» که معادل فعل ماضی منفی ساده یا نقلی هستند به صورت فعل مضارع منفی (نمی‌بوسد - نمی‌نشانند) ترجمه شده است. «أخذ: گرفت» به اشتباه «برد» ترجمه شده - «ید» ترجمه نشده است.
(عربی دوازدهم، صفحه ۳۸)

۸۱. گزینه ۳ صحیح است.

«المعصية: گناه» جمع معصية ← «المعاصي»
نکته: هنگام ترجمه به ترجمه اسم از نظر «مثنی» و «جمع» توجه شود.
(عربی یازدهم، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۸۲. گزینه ۴ صحیح است.

خطاهای سایر گزینه‌ها:
(۱) «المسائل الاقتصادية» یعنی «مسائل اقتصادی» و ترجمه آن به صورت «مسائل اقتصاد» نادرست است.
(۲) «فلاحاً» نکره است و ترجمه شدن به صورت «کشاورز» نادرست است و درست آن «یک کشاورز» یا «کشاورزی» است. در ترجمه نکره باید «ی نکره» یا «یک» بیاید.
(۳) «احساس می‌کند» نادرست است و باید «احساس می‌کرد» باشد. در جمله بعد از «نکره» هرگاه «فعل ماضی + فعل مضارع» را داشتیم، فعل مضارع به شکل «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود.
(عربی یازدهم، صفحه ۷۰)

۸۳. گزینه ۳ صحیح است.

کلمات مهم: بدان: اعلم / رد و بدل شدن واژگان: تبادل المُفردات / میان زبان‌ها در جهان: بین اللغات فی العالم / امری شگفت انگیز: امرأ عجیباً، امرأ غریباً / به شمار نمی‌آید: لا يُعدُّ / در شیوه و گفتار: فی الأسلوب و البیان / سرشار: غنیة / می‌گرداند: یُصیر، یُجعل
خطاهای سایر گزینه‌ها:
میان زبان‌ها در جهان: بین اللغات فی العالم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / امری شگفت انگیز: امرأ عجیباً (رد گزینه ۱) / معادل عربی «گفتار» در گزینه ۱ نیامده است (رد گزینه ۱) / به شمار نمی‌آید: لا يُعدُّ (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / زبان‌ها را سرشار می‌گرداند: یُجعل اللغات غنیة، یُصیر اللغات غنیة (رد گزینه ۲) / بدان: اعلم (رد گزینه‌های ۲ و ۴)
(عربی یازدهم، صفحه ۴۹)

۸۴. گزینه ۲ صحیح است.

هر چیزی هنگامی که زیاد شود ارزان می‌گردد جز ادب؛ چرا که آن (ادب) اگر زیاد شود گران می‌شود.
مفهوم: افزایش هر چیز موجب ارزانی آن می‌شود ولی با افزایش ادب ارزش آن نیز افزوده می‌شود.
در گزینه ۲، اشاره دارد که با افزایش طلا قیمت آن کاسته می‌شود ولی افزایش ادب، موجب افزایش عزت و سربلندی است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
۱ و ۳) بی ادبی نکوهش می‌شود.
۴) به ارزشمند بودن و فواید ادب اشاره شده است.
(عربی دوازدهم، صفحه ۴۴)

۹۱. گزینه ۲ صحیح است.

«اسمی» در صورت سؤال یعنی «دو اسم» که یکی از آنها معرفه و دیگری نکره باشد. «اسمین» بوده است که به خاطر مضاف شدن، «نون» آن حذف گردیده است. برای تعیین اسم فاعل و اسم مفعول باید به مفرد کلمه توجه شود. الطالب ← الطالب «السَّیَّاح» اسم فاعل و معرفه (مفردش «سائح») / «نادم» اسم فاعل و نکره است. توضیح سایر گزینه‌ها:

- (۱) المستمعین: اسم فاعل و معرفه / مکرَّمون: اسم مفعول و نکره
- (۳) المؤلَّفات: اسم فاعل و معرفه / مُعَيَّنَة: اسم مفعول و نکره
- (۴) المُعلَّمة، الطالب: اسم فاعل و معرفه

(عربی یازدهم، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۹۲. گزینه ۲ صحیح است.

هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود، می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد. در گزینه ۲، «مَصْنَع» در جمله نخست به صورت نکره آمده است و در جمله بعد همراه با «ال» تکرار شده است «المَصْنَع»؛ لذا «ال» در «المَصْنَع» به صورت اسم اشاره «این، آن» ترجمه می‌شود «پس از دانش آموخته شدن از دانشگاه در کارخانه‌ای کار کردم. کارگران در آن کارخانه، با اشتیاق کار می‌کردند».

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) «جَهَّال» در جمله نخست به صورت نکره آمده است و در جمله بعد همراه با «ال» تکرار شده است «الجَهَّال»؛ اما چون قبل از «الجَهَّال» اسم اشاره «اولئک» آمده است؛ لذا «ال» در «الجَهَّال» به صورت اسم اشاره ترجمه نمی‌شود.
- ۳ و ۴) اسم نکره‌ای وجود ندارد که در جمله دوم همراه با «ال» تکرار شده باشد.

(عربی یازدهم، صفحه ۵۱)

۹۳. گزینه ۴ صحیح است.

هنگامی که پیش از «إِلَّا» جمله منفی آمده و مستثنی‌منه ذکر نشده باشد، می‌توانیم عبارت را به صورت مثبت و مؤکد نیز ترجمه کنیم. در این حالت «إِلَّا» به معنای «فقط، تنها» می‌باشد. در گزینه ۴ چون مستثنی‌منه وجود دارد، تنها می‌توانیم عبارت را به یک شکل ترجمه کنیم «کسی از شما یاری نمی‌جوید به‌جز بیچاره‌ای که با اخلاق بدتان آشنا نیست».

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) مستثنی‌منه حذف شده است و می‌توانیم عبارت را به دو شکل ترجمه کنیم «فقط تعدادی از دانش‌آموزان باهوش در آن مسابقات علمی شرکت می‌کنند / [کسی] جز تعدادی از دانش‌آموزان باهوش در آن مسابقات علمی شرکت نمی‌کند».

(۲) مستثنی‌منه حذف شده است و می‌توانیم عبارت را به دو شکل ترجمه کنیم «فقط دانش‌آموزی که به درس خواندن اهتمام نمی‌ورزد، در امتحانات مدرسه مردود می‌شود / [کسی] به‌جز دانش‌آموزی که به درس خواندن اهتمام نمی‌ورزد، در امتحانات مدرسه مردود نمی‌شود».

(۳) مستثنی‌منه حذف شده است و می‌توانیم عبارت را به دو شکل ترجمه کنیم «فقط کسانی که به ما احترام می‌گذارند و به همزیستی مسالمت‌آمیز پایبند هستند، با نیکی ادب با ما رفتار می‌کنند / [کسی] جز کسانی که به ما احترام می‌گذارند و به همزیستی مسالمت‌آمیز پایبند هستند، با نیکی ادب با ما رفتار نمی‌کند».

(عربی دوازدهم، صفحه ۴۵)

۹۴. گزینه ۴ صحیح است.

صورت سؤال سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن تأکید نباشد. در کتاب دوازدهم «این» و همچنین جمله‌ای که مستثنی‌منه آن ذکر نشده باشد دارای تأکید است.

در گزینه ۴ «الَّذِينَ» مستثنی و «الانسان» مستثنی‌منه است، پس تأکیدی ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱ و ۲) مستثنی‌منه محذوف است و جمله به صورت مثبت و مؤکد ترجمه می‌شود.

(۳) در این گزینه «شیئاً» مستثنی‌منه است و جمله از این نظر تأکید ندارد ولی «این» ابتدای جمله دارای تأکید است.

(عربی دوازدهم، صفحه ۴۵)

۹۵. گزینه ۲ صحیح است.

صفی را که بر استقبال دلالت می‌کند، مشخص کن؛ یعنی باید دنبال جمله وصفی بگردیم که فعل آن مستقبل باشد. جمله «لن يحصل...» اسم نکره «کنز» را توصیف می‌کند و در ضمن فعل مستقبل است. (لن + فعل مضارع: فعل مستقبل منفی) علم گنجینه سودمندی است که فقط دانش‌آموزان تلاشگر آن را به دست خواهند آورد.

نکته: جمله وصفی فعلی است که توضیح اسم نکره است و در ترجمه از «که» استفاده می‌شود. دقت داشته باشید که در جمله وصفی معنای «که» استنباط می‌شود و کلمه‌ای که معنای «که» دارد، وجود ندارد.

حروفی مانند «أن، حتی، ل، ف، و، کی و...» بر سر جمله وصفی نمی‌آیند. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) در این گزینه «سوف أُنْعَمُ» جمله وصفی نیست بلکه جواب شرط است.
- (۳) در این گزینه «لم أقرأ» جمله وصفی است اما فعل مستقبل نیست.
- (۴) در این گزینه «سیدهب» جمله وصفی نیست.

(عربی یازدهم، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

تاریخ

۹۶. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) نادرست، تا دوران خلافت عثمان، بیشتر شهرها و ولایات مختلف یکی پس از دیگری با جنگ و یا صلح تسخیر شدند.

(۲) درست، تعدادی از دهقانان و دیگر بزرگان محلی و دسته‌هایی از جنگاوران، از جمله گروه‌هایی بودند که در جریان فتح ایران مسلمان شدند.

(۳) نادرست، پس از فتح هر شهر و منطقه توسط اعراب مسلمان، به فرمان خلیفه، فردی از میان فرماندهان سپاه، سران قبیله‌ها و یا صاحب به حکومت آنجا منصوب می‌شد.

(۴) نادرست، مهاجرت اعراب به ایران در دوران امویان شدت یافت و در زمان معاویه چندصد هزار نفر به داخل ایران کوچ کردند.

(تاریخ یازدهم، صفحه‌های ۸۳، ۸۴ و ۸۷)

۹۷. گزینه ۱ صحیح است.

روابط سامانیان با خلیفه عباسی: اظهار اطاعت این امیران نسبت به خلافت در نظر عامه به آنان مقبولیت و مشروعیت می‌بخشید. در اداره قلمرو خود استقلال کامل داشتند.

روابط علویان با خلیفه: علویان خود مدعی خلافت بودند و عباسیان را غاصب خلافت می‌شمردند. بنابراین روابط خصومت‌آمیزی بین علویان و دستگاه خلافت حاکم بود.

نکته: مورد (الف) در رابطه با زیاریان است که روابطشان با خلیفه عباسی فراز و نشیب داشت.

(تاریخ یازدهم، صفحه‌های ۹۰ تا ۹۲)



۹۸. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

- (الف) شهرها مانند دوران پیش از آن از سه بخش ارگ، شارستان و ربض تشکیل می‌شد: سامانیان - آل بویه - غزنویان - سلجوقیان
(ب) در عصر سلجوقی شکلی از زمین‌داری که در دوره حکومت آل بویه رایج بود، گسترش یافت. اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا صاحبان مشاغل دیوانی گفته می‌شد: آل بویه - سلجوقیان
(ج) شهر بیرونی (ربض) در دوره سلجوقی بیش از ادوار پیشین گسترش یافت. همراه با این تحول، عناصر شهر اسلامی مانند مسجد و بازار به ربض منتقل شد: سلجوقیان
(د) یکی از تحولات چشمگیر این دوره زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان در ایران بود: غزنویان - سلجوقیان

(تاریخ یازدهم، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۹)

۹۹. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) درست
(۲) درست
(۳) درست
(۴) نادرست، آل بویه با تصرف بغداد، خلافت عباسی را تحت سلطه خود داشتند و عزل و نصب خلیفه به میل آنان انجام می‌گرفت. آنان حرمت و شأن خلیفه را نگه داشته و وانمود می‌کردند که تابع وی هستند. سلجوقیان خلیفه عباسی را از تسلط آل بویه درآورده و خود را منجی خلافت معرفی کردند.

(تاریخ یازدهم، صفحه‌های ۹۲، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵ و ۱۰۸)

۱۰۰. گزینه ۱ صحیح است.

قدرت گرفتن اتابکان در نواحی تحت سلطه سلجوقیان، پس از مرگ ملک‌شاه سلجوقی و خواجه نظام‌الملک طوسی واقع شد.

(تاریخ یازدهم، صفحه ۱۰۳)

۱۰۱. گزینه ۲ صحیح است.

(الف) با سرکوب شورش شیخ خزعل و برخی شورش‌های پراکنده دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت.
(ب) آیت‌الله مدرس با شناختی که از رضاخان داشتند، این کار را ابزاری برای رسیدن او به قدرت می‌دانستند و با آن به مخالفت پرداختند و مردم را به حرکت بر ضد این پیشنهاد تشویق کردند.

(تاریخ دوازدهم، صفحه ۹۴)

۱۰۲. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی عبارت‌های نادرست:

(ب) طراحان کودتا از طریق اشرف پهلوی و یک ژنرال آمریکایی (نورمن شوارتسکف)، محمدرضا شاه را که در پذیرش کودتا تردید داشت، متقاعد کردند تا با کودتا موافقت کند.

(ج) تولید صنعتی ژاپن در سال ۱۹۵۳ م به میزان تولید سال‌های آغازین جنگ جهانی دوم رسید.

(ه) آیت‌الله کاشانی به قرارداد کنسرسیوم نفتی اعتراض کرد. آیت‌الله مدرس در آن مقطع در عرصه سیاسی حضور نداشت.

(تاریخ دوازدهم، صفحه‌های ۹۵، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۶ و ۱۲۷)

۱۰۳. گزینه ۳ صحیح است.

(تاریخ دوازدهم، صفحه ۹۵)

۱۰۴. گزینه ۳ صحیح است.

در اردیبهشت سال ۱۳۳۰ ه. ش که دکتر مصدق با حمایت گسترده افکار عمومی، اتحاد و همکاری تنگاتنگ نیروهای ملی و مذهبی و پشتیبانی قاطع آیت‌الله کاشانی نخست‌وزیر شد تا قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس را با قاطعیت به اجرا درآورد.

- تهدیدات اقتصادی انگلستان برای ممانعت از ملی شدن صنعت نفت ایران:
- تعطیلی شعب بانک انگلیس
- خارج کردن سرمایه‌های شرکت نفت
- تحریم خرید نفت
تهدیدات اجتماعی:
- تحریک کارگران صنعت نفت به اعتصاب گسترده از طریق منع شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت فوق‌العاده دستمزد
تهدیدات نظامی:
- فرستادن کشتی‌های جنگی خود به خلیج فارس و بنادر ایران و تهدید نظامی
تهدید سیاسی:
- طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی

(تاریخ دوازدهم، صفحه ۱۲۳)

۱۰۵. گزینه ۳ صحیح است.

(الف) در حالی که ارتش آلمان در خاک شوروی به سوی ایران پیشروی می‌کرد، دولت‌های شوروی و انگلستان از حکومت ایران خواستند که آلمانی‌ها را اخراج کند و به اقدامات خصمانه علیه هیتلر دست بزند.
(ب) هیتلر عقیده داشت که آلمان برای به دست آوردن فضای حیاتی، باید سرزمین‌هایی را در اروپا فتح کند.

(تاریخ دوازدهم، صفحه‌های ۱۰۳ و ۱۰۸)

۱۰۶. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی عبارت‌های نادرست:

(الف) در الجزایر، دولت فرانسه تلاش کرد تا با استفاده از نیروی نظامی جنبش استقلال‌خواهی را سرکوب کند اما مردم آن کشور پس از سال‌ها مبارزه سخت بر استعمار پیروز شدند و به استقلال دست یافتند.
(۱۹۶۲ م)

(ج) فروپاشی (خراب شدن) دیوار برلین نماد فروپاشی بلوک شرق است. نکته: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ م صورت گرفت.

(تاریخ دوازدهم، صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۱۱)

۱۰۷. گزینه ۴ صحیح است.

اقدامات نیروهای متفقین پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ه. ش:
- کنترل مستقیم راه‌های اصلی خلیج فارس به مرزهای شوروی و حفاظت از چاه‌ها و تأسیسات نفت جنوب
- بازداشت شخصیت‌های ایرانی هوادار دولت‌های محور و تعدادی از آلمانی‌های فعال در ایران
- تعهد به تأمین آذوقه و غله مورد نیاز مردم ایران
بررسی گزینه نادرست:

در زمان رضاخان قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ه. ش:
- سهم ایران نسبت به قرارداد قبلی اندکی افزایش یافت.
- محدوده جغرافیایی قرارداد به میدان‌های نفتی شناخته‌شده جنوب کشور محدود گردید.

(تاریخ دوازدهم، صفحه ۱۱۸)

۱۰۸. گزینه ۳ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

(ج) در دوران پهلوی اول (رضا خان) سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ (دوره حکومت رضاخان) صورت گرفته است.

(الف) پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول و پناهنده شدن امپراتوری آلمان به هلند صورت گرفت. (۱۹۱۸ م فرار امپراتوری آلمان به هلند) پس قبل از مورد (د) رخ داده است.

(د) حمله آلمان به شوروی، در ژوئن سال ۱۹۴۱ م روی داده است.
(ب) اجرای برنامه اقتصاد بدون نفت توسط دکتر مصدق در سال ۱۳۳۰ ه. ش (۱۹۵۱ م) بوده است.

(تاریخ دوازدهم، صفحه‌های ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۶ و ۱۲۳)



جغرافیا

۱۰۹. گزینه ۲ صحیح است.

بررسی موارد نادرست:

بیوم (زیست‌بوم) از چند بوم‌سازگان (اکوسیستم) تشکیل شده است. گودی جغرافی‌دان زیستی در طبقه‌بندی خود، زیست‌بوم‌ها را به هشت زیست‌بوم محدود کرده است.

(جغرافیا یازدهم، صفحه‌های ۵۳ تا ۵۵)

۱۱۰. گزینه ۴ صحیح است.

گیاهان در نتیجه فتوسنتز، موادی تولید می‌کنند. به این تولید، تولید ناخالص می‌گویند. گیاهان مقداری از این مواد را برای رفع نیازهای خود مثل تنفس، مصرف می‌کنند. آنچه باقی می‌ماند، تولید خالص اولیه است. مجموع ماده خشک علزارهای منطقه معتدل (۶۰۰) و تایگا (۸۰۰) بیشتر از مجموع ماده خشک جنگل‌های پهن‌برگ (۱۲۰۰) است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) $2 \times 1200 = 2400$ در حالی که مجموع ماده خشک جنگل‌های بارانی استوایی ۲۲۰۰ است.

(۲) مجموع ماده خشک زیست‌بوم بیابان (۹۰)، توندرا (۱۴۰) و علزارهای منطقه معتدل (۶۰۰) بیشتر از تایگا (۸۰۰) است.

(۳) مجموع ماده خشک علزارهای منطقه معتدل (۶۰۰)، بیشه‌زارها و مراتع مدیترانه‌ای (۷۰۰) و تایگا (۸۰۰) کمتر از جنگل‌های بارانی استوایی (۲۲۰۰) است.

(جغرافیا یازدهم، صفحه ۵۷)

۱۱۱. گزینه ۱ صحیح است.

کالاهاری ← الماس

صحرائ بزرگ آفریقا ← فسفات

استرالیا ← بوکسیت

آتاکاما ← مس

(جغرافیا یازدهم، صفحه ۵۸)

۱۱۲. گزینه ۳ صحیح است.

زبان، عنصر اصلی گسترش یک فرهنگ است، زیرا انسان‌ها از طریق آن، اطلاعات، تجربه‌ها، ارزش‌ها و آداب و رسوم خود را به دیگران و به نسل بعدی منتقل می‌کنند. نکته: گزینه ۴ در مورد دین درست است.

(جغرافیا یازدهم، صفحه ۶۹)

۱۱۳. گزینه ۴ صحیح است.

بیش از ۱/۵ میلیارد نفر از مردم جهان پیرو این دین هستند ← اسلام بیشتر پیروان این دین به صورت پراکنده در شهرها و نواحی بزرگ بازرگانی جهان زندگی می‌کنند. ← یهود از ادیان مبتنی بر پرستش غیر خدای یگانه و مذاهب قبیله‌ای محسوب می‌گردد. ← آئیمیسم زبان بعضی از مردم در شمال آفریقا است ← حامی

(جغرافیا یازدهم، صفحه‌های ۷۰، ۷۳ و ۷۴)

۱۱۴. گزینه ۲ صحیح است.

پدیده پخش یا انتشار فرایندی است که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان، مذهب، افکار و ایده‌ها، نوآوری، وسایل و ابزار، لباس، شیوه زندگی و حتی بیماری از یک مکان به سایر مکان‌ها گسترش می‌یابد. در گذشته، جنگ‌ها و دادوستد میان نواحی نقش مهمی در پدیده پخش فرهنگی داشته است.

(جغرافیا یازدهم، صفحه ۷۹)

۱۱۵. گزینه ۳ صحیح است.

$100 \times \frac{\text{طول مسیر قابل احداث بین دو مکان}}{\text{طول مسیر مستقیم بین دو مکان}} = \text{شاخص انحراف} \%$

$$\Rightarrow \frac{120}{100} = \frac{168}{x} = \frac{168 \times 100}{120} = 140 = \text{کیلومتر}$$

(جغرافیا دوازدهم، صفحه ۶۰)

۱۱۶. گزینه ۱ صحیح است.

کشور ایران موقعیت جغرافیایی و ترابری بسیار مناسبی در منطقه جنوب غربی آسیا و قفقاز دارد. از این رو، سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه حمل و نقل، به ویژه حمل و نقل آبی و ریلی، می‌تواند موجب پیشرفت اقتصاد و گسترش تجارت کشور با سایر کشورها شود.

(جغرافیا دوازدهم، صفحه ۷۱)

۱۱۷. گزینه ۳ صحیح است.

در کشور ما از دیرباز در برخی از شهرها مانند اصفهان، یزد، کاشان، بناب و میاندوآب فرهنگ استفاده از دوچرخه بسیار رایج بوده است و مونوریل را قطار هوایی می‌گویند.

(جغرافیا دوازدهم، صفحه‌های ۶۸ و ۷۰)

۱۱۸. گزینه ۱ صحیح است.

به طور کلی، در مدیریت و برنامه‌ریزی حمل و نقل به عواملی چون دسترسی، نوع و حجم محموله‌ها، سرعت و زمان انتقال، هزینه، تقاضا، ویژگی‌های طبیعی، محیط زیست و ایمنی توجه می‌شود.

(جغرافیا دوازدهم، صفحه ۵۹)

۱۱۹. گزینه ۲ صحیح است.

خط فرضی روزگردان (خط بین‌المللی زمان) نصف‌النهار ۱۸۰ درجه‌ای است که در امتداد نصف‌النهار مبدأ در آن سوی کره زمین قرار گرفته است. خط فرضی روزگردان (خط بین‌المللی زمان) در برخی از نقاط انحراف پیدا کرده است تا از مشکلات روز تقویمی در مکان‌های مختلف کشورها یا جزایری که خط از آنها عبور می‌کند، جلوگیری شود.

(جغرافیا دوازدهم، صفحه ۷۵)

۱۲۰. گزینه ۴ صحیح است.

چون شهر (الف) در غرب نصف‌النهار گرینویچ (صفر درجه) واقع شده است. بنابراین از نظر زمانی عقب‌تر از نصف‌النهار گرینویچ است:

اختلاف طول جغرافیایی با گرینویچ: $45 - 0 = 45$

اختلاف ساعت با گرینویچ: $3 = 15 - 45$

زمان در گرینویچ: صبح ۱۱ = $3 + 8$

(جغرافیا دوازدهم، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

فلسفه و منطق

۱۲۱. گزینه ۲ صحیح است.

اگر «هر الف ب است» را صادق بدانیم، با متضاد کردنش قضیه «هیچ الف ب نیست» که کاذب است را استنتاج می‌کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «هیچ الف ب نیست» متداخل قضیه «بعضی الف ب نیست» می‌باشد. با توجه به صدق قضیه جزئی، درباره تداخل کلی آن نمی‌توان نظری داد.

(۳) اگر «هیچ د الف نیست» را متداخل کنیم، قضیه «بعضی د الف نیست» را نتیجه می‌گیریم، ولی چون قضیه کلی صادق است، متداخل جزئی آن هم صادق می‌شود.

(۴) اگر قضیه «بعضی الف م است» را متداخل کنیم به قضیه «هر الف م است» می‌رسیم که چون قضیه جزئی کاذب است، متضاد کلی آن نیز باید کاذب باشد.

(منطق دهم، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)



۱۲۲. گزینه ۴ صحیح است.

زمانی که چند رابطه را هم‌زمان از ما می‌خواهند، ابتدا باید از دورترین رابطه شروع کنیم و به ترتیب سایر روابط را بسازیم. در اینجا باید ابتدا «هیچ الف م نیست» را متداخل کنیم و سپس قضیه به دست آمده را متناقض کنیم. متداخل «هیچ الف م نیست» (صادق)، قضیه «بعضی الف م نیست» (صادق، زیرا متداخل جزئی یک قضیه صادق، صادق می‌شود). می‌شود. حال قضیه بعضی الف م نیست را متناقض کرده که به قضیه «هر الف م است» است می‌رسیم که چون قضیه اول صادق است، متناقض آن کاذب می‌شود.

(منطق دهم، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۱۲۳. گزینه ۳ صحیح است.

در مربع تقابل، صدق دو قضیه متضاد ناممکن است اما کذب هم‌زمان دو قضیه متداخل ممکن است زمانی که قضیه اول جزئی باشد و متداخل کلی آن هم جزئی می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) اگر قضیه جزئی کاذب را متداخل کنیم، قضیه کلی هم کاذب می‌شود.
- (۲) در رابطه تضاد، صدق دو طرف ممکن نیست.
- (۴) در رابطه تناقض صدق دو طرف ناممکن است.

(منطق دهم، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۱۲۴. گزینه ۲ صحیح است.

در رابطه عکس مستوی، قضیه اصل باید صادق باشد و در نتیجه نیز عکس آن هم صادق می‌شود. در مواقعی که قضیه اصلی صادق نیست، می‌توان صرفاً با استفاده از رابطه تناقض، قضیه اصلی را صادق کنیم، سپس عکس مستوی آن را بسازیم. متناقض «بعضی الف م است» (کاذب)، قضیه «هیچ الف م است» (صادق) می‌شود. حال عکس مستوی قضیه سالبه کلی، سالبه کلی است با فرض جابه‌جا شدن موضوع و محمول آنها.

(منطق دهم، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

۱۲۵. گزینه ۱ صحیح است.

در مغالطه استثنای قابل چشم‌پوشی، اگر در حکم اولیه که دارای حکم کلی است، همان ابتدا استثنایها را بیان کنیم، دیگر در ادامه دچار مغالطه استثنای قابل چشم‌پوشی نمی‌شویم. زیرا در همان ابتدا استثنایهای حکم کلی خود را بیان کرده‌ایم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) قضایای شخصی را فقط می‌توان متناقض کرد.
- (۳) در رابطه تضاد، سور یا کمیت قضیه تغییری نمی‌کند.
- (۴) قضایای سالبه جزئی، عکس مستوی لازم‌الصدق ندارند، اما این قاعده ربطی به مربع تقابل ندارد.

(منطق دهم، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۷)

۱۲۶. گزینه ۳ صحیح است.

پروتاگوراس می‌گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد خواه یکسان باشد یا متفاوت (یعنی حقیقت نسبی است و حقیقت ارتباطی با واقعیت ندارد) او اعتقاد داشت اشیا هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند در آن نوبت همان‌طور هستند و هر طور که به نظر تو می‌آیند برای تو نیز همان‌طور هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) پارمنیدس شناخت حسی را قبول نداشت.
- (۲) دیدگاه‌های غالباً متضاد ایونیی قبل از دیدگاه‌های سوفیست‌ها موجود بود.
- (۴) سوفیست‌ها به سبب همین اختلاف نظرات اندیشمندان پیش از سقراطی و مغالطه‌هایی که خودشان بدان متوسل می‌شدند اصل امکان شناخت را زیر سؤال بردند.

(فلسفه یازدهم، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۱۲۷. گزینه ۲ صحیح است.

افلاطون شهود قلبی را هم قبول داشت و معتقد بود سقراط عالم مُثُل را مشاهده کرده است. (می‌شود گفت سقراط با عقل و قلب مشاهده کرده است.) بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) جهان برتر یا عالم مُثُل را فقط با عقل می‌توان درک کرد یا با شهود.
- (۳) شناخت حسی را صرفاً خطاپذیر می‌دانست ولی معتبر می‌دانست.
- (۴) سایر شناخت‌ها را هم قبول داشت.

(فلسفه یازدهم، صفحه ۶۰)

۱۲۸. گزینه ۱ صحیح است.

ابن‌سینا و فارابی نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نکردند. ابن‌سینا در یکی از کتاب‌های خود به تبیین عرفان می‌پردازد (نه فلسفه) و به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد، اما از اعتبار آن با فلسفه سخنی نمی‌گوید.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) مبنای فلسفه اشراق شهود است اما این به معنی از دست دادن وجه عقلی و فلسفی آن نبود بلکه منظور ورود و اهمیت شهود در این فلسفه است.
- (۳) فیلسوفان مسلمان تمام ابزارهای معرفت را قبول دارند اما هر کدام را در جایش مناسب می‌دانند.
- (۴) فیلسوفان مسلمان به تمامی ابزارهای شناخت باور دارند و هر کدام را در جای خود مورد استفاده قرار می‌دهند. نمی‌توان گفت ابزار حس برای مسلمانان مورد توجه و استفاده نبوده است.

(فلسفه یازدهم، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۲۹. گزینه ۳ صحیح است.

کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد، آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. (این ادراکات شناخت محسوب نمی‌شوند). به نظر کانت انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد در قالب این مفاهیم درک می‌کند. کمی توضیح بدهیم: کانت می‌گوید انسان مفاهیمی در ذهنش مانند مکان و زمان و علیت را دارد. این مفاهیم در ذهن همه آدم‌ها فطری هستند اما این مفاهیم شناخت یا معرفت نیستند بلکه اینها قالب ذهنی هستند. او در ادامه می‌گوید حواس انسان داده‌هایی را به دست می‌آورد اما باز به این داده‌ها هم نمی‌شود گفت شناخت. حالا این داده‌های حسی را در قالب‌هایی که در دستگاه ادراکی است، می‌گذاریم و شناخت به دست می‌آید. یعنی شناخت تنها و تنها حاصل همکاری حس و عقل با هم است.

پس از نظر کانت شناخت حسی محض و شناخت عقلی محض نداریم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) مفاهیمی مانند زمان و مکان و علیت نزد ذهن وجود دارد و کسب کردنی نیست.
- (۲) او شناخت را تنها ترکیب عقل و حس می‌داند.
- (۴) مفهوم علیت نزد ذهن انسان وجود دارد.

(فلسفه یازدهم، صفحه ۶۵)

۱۳۰. گزینه ۲ صحیح است.

با توجه خاص به تجربه، علوم تجربی پیشرفت کردند (فایده تجربه‌گرایی) اما بی‌مهری به تفکر عقلی اشکالات نظری متعددی را پدید آورد.

اشکالات پدید آمده به علت محدودیت روش تجربی (مشکلات تجربه‌گرایی):

- ۱- روش تجربی نمی‌توانست پاسخگوی سؤال‌های مهم انسان باشد؛ مثلاً تجربه نمی‌توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و یا عوالم غیرمادی و فضایل اخلاقی نظر دهد. (محدودیت روش تجربی)
- ۲- ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در ابتدای کودکی، ویژگی تفکر به عنوان یک استعداد وجود دارد.
(۲) همه می‌توانند با تربیت و تمرین به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند.
(۳) علوم دیگری مانند ریاضی و منطق هم علوم عقلی هستند. دقت کنید که تفکر در این معنا، معنای عام دارد و شامل تفکر تجربی در علوم تجربی هم هست.

(فلسفه دوازدهم، صفحه ۵۳)

۱۳۵. گزینه ۴ صحیح است.

عقل نظری: بحث درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها، بحث درباره هست‌ها و نیست‌ها، بحث درباره کیفیت و کمیت‌ها است و دانش حاصل از آن علم نظری است.
عقل عملی: درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید و نبایدهای اخلاقی است و دانش حاصل از آن علم عملی است.
دقت کنید هر باید و نباید در عقل عملی بررسی نمی‌شود، باید و نبایدهای اختیاری در عقل عملی است.
مثبت‌اندیش بودن با نبودن در شرایط سخت، امری اختیاری است که در حوزه عقل عملی بررسی می‌شود. سایر گزینه‌ها همگی بایدهایی هستند که در مورد فعل اختیاری نیست، بلکه همگی باید اجرا شوند و همچنین در حوزه اخلاق هم نیست.

(فلسفه دوازدهم، صفحه ۵۵)

۱۳۶. گزینه ۲ صحیح است.

دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرن ۱۰ تا ۱۳ م): در دوره دوم حاکمیت کلیسا، یعنی در قرن‌های دهم تا سیزدهم میلادی، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن‌سینا و ابن‌رشد و سایر فیلسوفان مسلمان که به زبان‌های اروپایی ترجمه شده بود، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند، اما از آنجا که توجه به عقل و عقلانیت با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، این توجه و روی‌آوری، به تدریج به گسترش عقل‌گرایی و عقب‌نشینی اندیشه‌های دینی انجامید، تا اینکه در این دوره عقل جای دین را گرفت و دین مسیحیت را به گوشه‌ای از زندگی اروپاییان برد و در حاشیه قرار داد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) استدلال عقلی محض در اروپا در موضوعات عقلی که در ذهن جریان دارد مانند علم ریاضی کاربرد دارد.

(۲) هیوم روش تجربی را تنها راه رسیدن به حقیقت می‌دانست.

(۴) آگوست کنت باور داشت تنها راه شناخت، شناخت تجربی است و حتی عقل زمانی که از تجربه استفاده کند می‌تواند به شناخت دست پیدا کند.

(فلسفه دوازدهم، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۳۷. گزینه ۱ صحیح است.

وقتی تاریخ تمدن اسلامی را مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم که علوم عقلی و به خصوص فلسفه در این تمدن، گسترش فراوانی داشته است. پس علوم عقلی در ابتدا این تمدن را گسترش دادند. بلکه تأکید این تمدن بر عقلانیت باعث شد این علوم مهم شمرده شوند.

(فلسفه دوازدهم، صفحه ۶۰)

۱۳۸. گزینه ۴ صحیح است.

در مرحله اول رشد عقل که همان عقل بالقوه یا هیولایی نامیده می‌شود، انسان هیچ ادراک عقلی ندارد اما حتماً ادراک حسی دارد. زیرا حواس از همان ابتدای تولد در انسان فعال است. این انسان با رشد پیدا کردن عقلش، می‌تواند در ادامه ادراک عقلی هم پیدا کند.

۳- احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی.

۴- تفاوت میان تجربه‌های انسان که می‌توانست قطعیت احکام تجربی را از بین ببرد.
ابطال‌پذیری علوم تجربی ویژگی مثبت علوم تجربی است که باعث پیشرفت این علم می‌شود.

(فلسفه یازدهم، صفحه ۶۵)

۱۳۱. گزینه ۱ صحیح است.

از میان فلاسفه مسلمان ابن‌سینا و فارابی با توجه به اینکه شهود را وارد فلسفه نکردند، تأکید و اهمیت بیشتری به عقل می‌دادند. البته باید بیان داشت که فلاسفه مسلمان همگی تمام ابزارهای شناخت را قبول دارند اما هر کدام در جایگاه خود استفاده می‌شود. مکتب فلسفی فارابی و ابن‌سینا که مکتب مشاء نامیده می‌شود چون تحت تأثیر فلسفه یونان و به خصوص ارسطو هستند، صورت استدلالی جدی‌تر دارد.

(فلسفه یازدهم، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۳۲. گزینه ۳ صحیح است.

نسبی‌گرایان می‌گویند هر فرد متناسب با ویژگی‌های ادراکی خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است پس شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.
پس نمی‌توان گفت به طور مطلق فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می‌کند بلکه باید بگوییم من در این وضعیت فکر می‌کنم فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.

نسبی‌گرایی در معرفت‌شناسی به تدریج در حوزه‌هایی مانند انسان‌شناسی، اخلاق، حقوق و دین خود را بیشتر نشان داد و به نسبی‌گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.
بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) آنها باوری به حقیقت مطلق ندارند و حقیقت را امری نسبی می‌دانند.

(۲) آنها به صورت مطلق باور دارند که شناخت هر فردی متناسب با ویژگی‌های شناختی‌اش، نسبی است. اما در هر صورت انسان می‌بیند که در بعضی شناخت‌ها، شناخت مشترک وجود دارد. این اتفاق امری شانس و اتفاقی است زیرا شناخت را نسبی می‌دانستند.

(۴) مفید بودن پیشنهادی بود که پراگماتیسم‌ها در مقابل واقع‌نمایی علوم تجربی دادند.

(فلسفه یازدهم، صفحه ۶۶)

۱۳۳. گزینه ۱ صحیح است.

هراکلیتوس هر دو کاربرد عقل را باور دارد. اما در بحث لوگوس، در معنای تفکر نیست، بلکه لوگوس معنای کلمه و سخن می‌دهد. در اینجا سخن شاید ظهور تفکر باشد اما کتاب درسی به درستی لوگوس را در معنای سخن و کلمه بیان کرده است.

(فلسفه دوازدهم، صفحه ۵۴)

۱۳۴. گزینه ۲ صحیح است.

عقل در این کاربرد، که همان کاربرد رایج بین مردم نیز هست، یکی از ابزارهای شناخت انسان می‌باشد. انسان به کمک این ابزار استدلال می‌کند و به دانش‌ها و حقایق دست می‌یابد.

از نظر فیلسوفان، این ابزار که یک توانمندی فوق‌العاده است، در ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد که باید با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت برسد. لذا اگر تربیت عقلانی به خوبی صورت نگیرد، عقل به توانایی‌های لازم نمی‌رسد و نمی‌تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد.

توانایی افراد در تعقل و استدلال متفاوت است؛ برخی از انسان‌ها قدرت استدلال قوی‌تری دارند و برخی، قدرت استدلال آنها ضعیف‌تر است. اما همه می‌توانند با تربیت و تمرین به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند.



نکته:

- سیاست انقباضی: در زمان تورم ← برای کاهش حجم پول در گردش
 - سیاست انبساطی: در زمان رکود ← برای افزایش حجم پول در گردش
- (اقتصاد دهم، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۳)

۱۴۲. گزینه ۳ صحیح است.

اقتصاددانان با اصطلاحاتی مانند «ثبات اقتصادی»، «استحکام اقتصادی»، «تاب‌آوری اقتصادی» و «پایداری» بر مقاومت‌سازی اقتصادی تأکید می‌کنند.

(اقتصاد دهم، صفحه ۱۱۱)

۱۴۳. گزینه ۲ صحیح است.

یکی از علل اصلی عقب‌ماندگی ایران نسبت به اروپا در اواخر صفویه، بی‌اطلاعی حاکمان از تحولات جهانی و وظایف تاریخی‌شان بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تجهیز ناوگان و رقابت نظامی مربوط به عوامل پیشرفت و توسعه اروپا است نه عقب‌ماندگی ایران.

(۳) مربوط به قاجار است.

(اقتصاد دهم، صفحه ۱۰۸)

۱۴۴. گزینه ۲ صحیح است.

(الف)

$$\frac{d_7}{d_5} - \frac{d_7}{d_5} = 5/5 \rightarrow 10/5 - d_7 = 5/5$$

دهک دوم دهک هفتم

$$10/5 - 5/5 = d_7 \Rightarrow d_7 = 5 \text{ درصد دهک دوم}$$

$$d_9 - d_8 = 7 \rightarrow d_9 - 8 = 7$$

دهک نهم دهک هفتم

$$\Rightarrow d_9 = 15 \text{ درصد دهک نهم}$$

$$\frac{\text{درآمد ملی}}{\text{جمعیت}} = \frac{1}{2} \Rightarrow \frac{\text{درآمد ملی}}{2,000,000} = \frac{1}{2}$$

$$\Rightarrow \text{درآمد ملی} = 1,000,000 = 24,000,000$$

شاخص توزیع درآمدها از تقسیم دهک دهم به دهک اول به دست می‌آید:

$$8 = \frac{\text{دهک دهم}}{3} = \frac{\text{دهک دهم}}{\text{دهک اول}} = \text{شاخص توزیع درآمد}$$

$$\text{درصد دهک دهم} = 24$$

نکته: زمانی که می‌خواهیم سهم هر دهک را از درآمد ملی به دست آوریم، کافی است درآمد ملی را در درصد دهک مربوطه ضرب کنیم:

$$\frac{\text{درآمد ملی}}{100} \times 24 = 24,000,000 \times \frac{24}{100} = 5,760,000$$

(ب)

$$\frac{\text{دهک نهم}}{100} \times 24,000,000 = 3,600,000$$

(ج)

$$\frac{\text{دهک دوم}}{100} \times 24,000,000 = 1,200,000$$

(د) منظور از ۲۰ درصد بالای جامعه، ثروتمندان، یعنی دهک‌های نهم و دهم است که باید درصدهای آن را جمع کنیم:

$$\text{درصد} = 24 + 15 = 39$$

$$\frac{39}{100} \times 24,000,000 = 9,360,000$$

(اقتصاد دهم، صفحه ۱۲۴)

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) لزوماً فکر کردن به معنی بودن عقل در مرحله سوم نیست، در مرحله سوم ما توانایی ادراک دانش‌ها برایمان فراهم می‌شود. حضور در مرحله سوم به معنی فکر کردن نیست، بلکه حضور در این مرحله یعنی آماده فکر کردن هستیم.

(۲) انسان هر موضوعی که بخواهد را نمی‌تواند بشناسد مانند ذات خدا. (۳) در مرحله دوم رشد عقل انسان موضوعات بدیهی را درک می‌کند اما لزوماً هر موضوع ساده‌ای بدیهی نیست. مثلاً شاید اینکه مثلث دارای سه ضلع است برای شما ساده باشد، اما این موضوع در ریاضی ابتدا اثبات عقلی شده است.

(فلسفه دوازدهم، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۱۳۹. گزینه ۳ صحیح است.

عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. ما به کمک عقل در آیات قرآن می‌اندیشیم و با این تفکر به معارف قرآنی می‌بریم. به همین جهت برخی از فیلسوفان مانند ملاصدرا و علامه طباطبایی کتاب‌هایی بسیار ارزشمندی در تفسیر قرآن نوشتند. هدف وحی هدایت انسان است و اگر نتوانیم معانی آن را درک کنیم، هدف وحی محقق نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است هر چند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف مردم متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان قدرت فکری او است.

(۲) از نظر این فلاسفه ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی باشد، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای اشتباه ببرد.

(۴) آنان همچنین وحی را عالی‌ترین مرتبه شهود محسوب می‌کنند و می‌گویند این مرتبه اختصاص به پیامبران الهی دارد.

(فلسفه دوازدهم، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۱۴۰. گزینه ۲ صحیح است.

البته ما انسان‌ها چون توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم (تایید گزینه ۲) ممکن است در استدلال عقلی و یا در فهم وحی دچار اشتباه شویم و به نتیجه‌های نادرست برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی و داده‌های وحی تعارض وجود دارد. در این مورد باید تلاش علمی خود را افزایش بدهیم و از دانش دیگران نیز بهره ببریم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح کنیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) همان صورت سؤال است.

(۳) راه‌حل این تعارض است.

(۴) این تعارض حاصل تفکر کردن و استفاده از عقل است اما نتیجه‌اش درست نبوده است.

(فلسفه دوازدهم، صفحه ۶۶)

اقتصاد

۱۴۱. گزینه ۱ صحیح است.

(الف) میزان نقدینگی با میزان تقاضا رابطه مستقیم دارد. (یعنی اگر حجم پول در دست مردم زیاد شود، تقاضای آنها نیز افزایش می‌یابد.) و اگر این افزایش تقاضا با افزایش تولید و عرضه همراه نباشد، در بازار کمبود عرضه و مازاد تقاضا به وجود می‌آید که منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و در نتیجه تورم خواهد شد.

نکته: تورم و افزایش عمومی قیمت‌ها به معنای کاهش قدرت خرید، پول می‌باشد.

(ب) برای رهایی از وضعیت رکود دولت از طریق بانک مرکزی با اعمال سیاست انبساطی پولی مثل خرید اوراق مشارکت در دست مردم سعی بر افزایش نقدینگی و خروج از وضعیت رکود دارد.



۱۴۵. گزینه ۲ صحیح است.

موارد (الف)، (ج) و (د) نادرست هستند.

بررسی موارد نادرست:

(الف) حاکمان دوره صفویه از موقعیت جهان و وظایف خطیر تاریخی خود تصور درستی نداشتند.

(ج) لغو قرارداد رژی (نه تنظیم آن) از جمله اقداماتی بود که در حمایت از تولید ملی انجام شد.

(د) عمده سیاست اقتصادی در دوره قاجار سیاست‌های انقباضی بود نه انبساطی.

(اقتصاد دهم، صفحه‌های ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۵)

۱۴۶. گزینه ۲ صحیح است.

(الف) مقدار کالای B را در سال ۹۶ برابر X در نظر می‌گیریم:

$$11000 \times 500 + 2500 \times X = 8,250,000$$

$$2500 \times X = 8,250,000 - (11,000 \times 500)$$

$$2500 \times X = 8,250,000 - 5,500,000$$

$$\Rightarrow 2500 \times X = 2,750,000$$

$$X = \frac{2,750,000}{2500} = 1100$$

(ب) به دلیل آنکه در صورت تست تولید واقعی در سال ۱۳۹۷ داده شده است برای محاسبه تولید واقعی باید مقادیر کالا از سال موردنظر یعنی سال ۱۳۹۷ و قیمت کالاها از سال پایه انتخاب گردد:

$$600 \times X + 1200 \times 2000 = 8,400,000$$

$$\Rightarrow 600 \times X = 6,000,000 \Rightarrow X = \frac{6,000,000}{600} = 10,000$$

(ج)

$$100 \times \frac{\text{GDP واقعی سال } ۹۶ - \text{GDP واقعی سال } ۹۷}{\text{GDP واقعی سال } ۹۶} = \text{نرخ رشد واقعی سال } ۹۷$$

$$۹۶ \text{ GDP واقعی سال } = (10,000 \times 500) + (2000 \times 1100)$$

$$۹۶ \text{ GDP واقعی سال } = 5,000,000 + 2,200,000 = 7,200,000$$

$$۹۷ \text{ نرخ رشد واقعی سال } = \frac{8,400,000 - 7,200,000}{7,200,000} \times 100$$

$$۹۷ \text{ نرخ رشد واقعی سال } = \frac{1,200,000}{7,200,000} \times 100 \approx 16.66$$

(اقتصاد دهم، صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳)

۱۴۷. گزینه ۴ صحیح است.

بررسی عبارت‌ها:

(الف) نادرست، GDP واقعی سال ۹۸ از حاصل ضرب مقدار سال ۹۸ در قیمت سال پایه یعنی سال ۹۷ به دست می‌آید.

(ب) نادرست، انتقال منحنی PPF به سمت راست و بالا نشانی از رشد اقتصادی کشور می‌باشد نه پیشرفت اقتصادی.

(ج) درست، شاخص تولید ناخالص داخلی همان درآمد داخلی یا درآمد ناخالص داخلی است.

(د) نادرست، پیشرفت اقتصادی یک مفهوم کمی کیفی است نه فقط کمی.

(اقتصاد دهم، صفحه‌های ۱۱۹، ۱۲۲ و ۱۲۴)

۱۴۸. گزینه ۴ صحیح است.

تولید (درآمد) ناخالص داخلی = تولید (درآمد) ناخالص سرانه داخلی (الف) جمعیت کل

$$\xrightarrow{\text{جایگذاری می‌کنیم}} 600 = \frac{X}{4,000,000} \Rightarrow X = 600 \times 4,000,000$$

$$\Rightarrow X = 2,400,000,000 \text{ تولید (درآمد) ناخالص داخلی}$$

$$\text{هزینه استهلاک} - \text{تولید (درآمد) ناخالص داخلی} = \text{تولید (درآمد) خالص داخلی}$$

از طرفی طبق داده‌های مسئله داریم:

$$\text{تولید خارجیان مقیم کشور} \times \frac{1}{3} = \text{هزینه استهلاک}$$

$$100,000,000 = \frac{1}{3} \times 300,000,000 = \text{هزینه استهلاک}$$

$$\Rightarrow 2,400,000,000 - 100,000,000 = 2,300,000,000$$

تولید درآمد خالص داخلی

نکته: ارزش کالاهای واسطه‌ای در تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود.

همچنین تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند هم محاسبه نمی‌کنیم:

$$X \times 5,000,000 + 300,000,000 = \text{تولید (درآمد) ناخالص داخلی (ب)}$$

$$= 2,400,000,000$$

$$5,000,000 \times X = \frac{2,400,000,000 - 300,000,000}{2,100,000,000}$$

$$X = \frac{2,100,000,000}{5,000,000} = 420$$

(اقتصاد دهم، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

۱۴۹. گزینه ۱ صحیح است.

(الف) ابتدا میزان تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۴۰۳ محاسبه می‌کنیم:

$$520,000 \times \frac{20}{100} = 104,000$$

سپس برای محاسبه قیمت‌های ابتدای سال ۱۴۰۴، شاخص قیمت‌های ۱۴۰۳ را با میزان تغییر شاخص ۱۴۰۳ جمع می‌کنیم:

$$520,000 + 104,000 = 624,000$$

(ب) ابتدا میزان تغییر شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۴۰۴ محاسبه می‌کنیم:

$$624,000 \times \frac{(20+10)}{100} = 118,200$$

سپس برای محاسبه شاخص‌های قیمت‌های ابتدای سال ۱۴۰۵، شاخص قیمت ۱۴۰۴ را با میزان تغییر شاخص ۱۴۰۴ جمع می‌کنیم:

$$624,000 + 118,200 = 742,200$$

(اقتصاد دهم، صفحه ۱۰۱)

۱۵۰. گزینه ۲ صحیح است.

(الف) در طول زمان رابطه جمعیت یک کشور با عرضه نیروی کار به صورت زیر است:

جمعیت یک کشور افزایش پیدا کند $\xrightarrow{\text{در نتیجه}}$ عرضه نیروی کار افزایش پیدا می‌کند.

جمعیت یک کشور کاهش پیدا کند $\xrightarrow{\text{در نتیجه}}$ عرضه نیروی کار کاهش پیدا می‌کند.

نکته: جمعیت یک کشور با میزان عرضه نیروی کار رابطه مستقیم دارد. در نتیجه زمانی که می‌گوییم جمعیت یک کشور در طول زمان مثلاً ۱/۲ درصد کاهش یافته است می‌توان نتیجه گرفت که عرضه نیروی کار نیز کاهش یافته است.

نکته: افزایش سرمایه‌گذاری، ظرفیت تولیدی را افزایش می‌دهد.

(ب) زمانی که تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، این افزایش نشان‌دهنده رشد اقتصادی است.

توجه کنید: ۱- معمولاً از نمودارهای رشد تولید ناخالص داخلی برای نشان دادن رشد اقتصادی کشورها استفاده می‌شود. ۲- بین عرضه نیروی کار و افزایش سرمایه‌انسانی تفاوت وجود دارد. عرضه نیروی کار تحت تأثیر «جمعیت» می‌باشد ولی سرمایه‌انسانی تحت تأثیر «آموزش» است.

(اقتصاد دهم، صفحه ۱۱۸)